

# حکمت اسلامی

۱۱



شهرنامه داخلی مجمع عالی حکمت اسلامی  
سال سوم، شماره یازدهم، مهر و آبان ۸۹

## در این شماره

- گزارش همایش دین و فلسفه
- فعالیت های بخش فلسفه اسلامی کنگره در گفتگو با رئیس کمیته علمی
- روز جهانی فلسفه از نگاه اساتید علوم عقلی اسلامی
- اخبار علمی - فرهنگی مجمع عالی



# کتابخانه تخصصی علوم عقلی وابسته به مجمع عالی حکمت اسلامی

از محققین و دانش پژوهان مراکز تخصصی مرتبط با علوم عقلی

**عضو می پذیرد.**

**مدارک مورد نیاز:**

۱. یک قطعه عکس جدید رنگی (۳×۴)
۲. کپی شناسنامه و کارت ملی
۳. ارائه کپی آخرین مدرک تحصیلی
۴. معرفی نامه از اساتید یا مراکز تخصصی

علاقمندان جهت ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر می توانند  
هر روز از ساعت ۹-۱۲ و ۱۶-۲۰ به دفتر مجمع عالی  
حکمت اسلامی واقع در خیابان ۱۹ دی / کوچه ۱۰ / فرعی  
اول سمت چپ / پلاک ۵ مراجعه نمایند.

**مجمع عالی حکمت اسلامی**

[www.Hekmateislami.com](http://www.Hekmateislami.com)

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## فَقُلْ اِنَّمَا اَنَا نَذِیْرٌ مُّبِیْنٌ

# حکمت اسلامی

مجمع حکمت اسلامی



خبرنامه داخلی مجمع عالی حکمت اسلامی  
سال سوم / شماره پانزدهم / مهر و آبان ۸۹  
زیر نظر مدیریت اجرایی مجمع عالی حکمت اسلامی  
امور اجرایی: سید سعید ناهجری  
طراحی:  
واحد خدمات پژوهشی مجمع عالی حکمت اسلامی  
آیا تشکر از آقایان حسن محشی و مصطفی شاکلی

آدرس:

قم / خیابان ۱۹ دی، کوچه ۱۰، فرعی اول، سمت چپ، پلاک ۵  
تلفن: ۱۱ - ۷۷۵۷۶۱۰ / شماره: ۷۷۲۱۰۰۴  
سندوق پستی: ۳۷۱۸۵ - ۲۲۵۲  
پیام کوتاه: ۳۰۰۰۹۹۰۰۰۹۱۳۸۴

[www.hekmatislami.com](http://www.hekmatislami.com)

[Info@hekmatislami.com](mailto:Info@hekmatislami.com)

(با سپاس از حضرات حجج اسلام و تسلیین آقایان و شمارگان عباس و علی)



## فهرست مطالب

- سخن نخست / ۲
- مباحثه با حجت الاسلام والمسلمین معلم / ۴
- گزارش همایش دین و فلسفه / ۷
- سخنجان حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباس / ۸
- سخنجان دکتر غلامرضا انوری / ۱۲
- بیانات حضرت آیت الله مصباح یزدی مد.ع.ع. / ۱۷
- بیانات حضرت آیت الله جوادی آملی مد.ع.ع. / ۲۳
- معرفی کتاب / ۳۰
- روز جهانی فلسفه از نگاه اساتید علوم عقلی اسلامی / ۳۱
- تأکید علمی - فرهنگی مجمع عالی / ۳۸

# سخن نخست

مهرماه ۱۳۸۹ برنامه‌ها و فعالیت‌های مجمع عالی حکمت اسلامی، سرمنشأ تحولات مناسب و چشمگیری بود که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- ۱) برگزاری دوره‌های جدید آموزشی در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ که مجمع عالی حکمت اسلامی به لطف خداوند متعال اسفند ۲۱ موضوع آموزشی بلندمدت را با بهره‌گیری از توان اساتید مجرب برای استفادۀ علاقمندان به حکمت و فلسفه اسلامی اعلام نمود. رشد کمی بیش از ۱۰۰٪ موضوعات نشان از رشد و علاقه مندی به حکمت اسلامی دارد. لازم می‌دانیم این نکته را نیز یادآوری کنیم که مجمع عالی حکمت اسلامی، ضمن احترام به تمامی اساتید علوم عقلی بر اساس امکانات و بشاعت موجود تنها ۲۱ موضوع را اعلام نمود که با عرض پوزش از سایر اساتید محترم، امیدواریم که به لطف خداوند متعال و با رشد امکانات مالی و پشتیبانی در سال‌های آتی، از وجود اساتید بیشتری بهره مند باشیم.
- ۲) برگزاری موفقیت‌آمیز همایش دین و فلسفه در تاریخ چهارده و پانزده مهرماه ۱۳۸۹ که بحمدلله کانون استقبال مناسب علاقمندان به حکمت و فلسفه اسلامی قرار گرفت. چهارشنبه چهارده مهرماه ۱۳۸۹ پنج نشست تخصصی با موضوعات ذیل در مجمع عالی حکمت اسلامی برگزار گردید:

۱. انسان‌شناسی در فلسفۀ اسلامی با مدیریت آیت الله سید محمد غروی؛
۲. فلسفه و اخلاق یا مدیریت حجت‌الاسلام والمسلمین معلمی؛
۳. فلسفه و سیاست با مدیریت حجت‌الاسلام والمسلمین پارسائیان؛
۴. فلسفه و معنای زندگی با مدیریت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر آذربایجانی؛
۵. رابطه دین و فلسفه با مدیریت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر علی مصباح.

در این نشست‌های تخصصی برخی از نویسندگان که مقالات آنها از معدل مناسبی در ارزیابی برخوردار بود، دیدگاه خود را تشریح و اعضای جلسه نیز به نقد و بررسی آنها پرداختند.

پنج شنبه پانزده مهرماه ۱۳۸۹ اجلاس اصلی همایش دین و فلسفه از ساعت ۸/۳۰ الی ۱۲ در سالن همایش‌های مدرسه عالی دارالشفا قم برگزار شد.

سخنران افتتاحیه همایش اسناد معظم و حکیم فرزانه، حضرت آیت الله مصباح یزدی دام تبرکاته بودند که پیرامون رابطه دین و فلسفه سخنان مبسوطی بیان فرمودند.

سخنرانی اختتامیه برنامه، اسناد معظم و فیلسوف مثاله حضرت آیت الله جوادی املی دام تبرکاته بودند که درباره جایگاه فلسفه در اسلامی سازی علوم، مقابله ارزشمندی را ابرار فرمودند.

سخنرانی اختتامیه برنامه، استاد معظّم و فیلسوف متألّه حضرت ایت الله جوادی املی دامتبرکاته بودند که درباره جایگاه فلسفه در اسلامی سازی علوم، مطالب ارزشمندی را ایراد فرمودند. به گفته بسیاری از کارشناسان و اساتید، این همایش یکی از قوی ترین همایش های علمی ای بوده که تاکنون در قم برگزار شده است؛ چرا که بیش از ۶۵۰ نفر از علاقه مندان حدود چهار ساعت را در انتظار بهره مندی از پیشکوتان حکمت اسلامی بودند، به گونه ای که گروهی با نبود فضای خالی در اطراف سالن اجتماعات، به صورت ایستاده برنامه را دنبال می کردند، که جا دارد شکر خداوند را به خاطر این توفیق به جای آوریم.

۳) ۲۷ مهرماه ۱۳۸۹ رهبر فرزانه و معظّم انقلاب اسلامی به قم تشریف آوردند. گرچه پرداختن به تمام ابعاد این سفر از این مقال و نوشتار خارج است؛ لذا لازم می دانیم به برخی از محورهای بیانات مقام معظّم رهبری اشاره نماییم. رهبر عزیزمان در دیدار با طلاب و فضایی حوزه علمیه قم به پرداختن به امر فلسفه اشاره فرمودند، به گونه ای که در چند سخنرانی دیگر نیز بر این امر تأکید نمودند. این تأکیدات از جایگاه فلسفه و حکمت اسلامی و نیاز امروز جامعه به علوم عقلی را نشان می دهد و از سوی دیگر و نلیفه برنامه ریزان و دست اندرکاران علوم عقلی اسلامی به ویژه مجموعه مجمع عالی حکمت اسلامی را سنگین تر نمود تا با برنامه ریزی مناسب زمینه اجرایی نمودن فرمایشات معظّم له را فراهم آورند. ما هم امیدواریم که به لطف خداوند متعال، توجهات حضرت ولی عصر (عج) و در سایه هم کاری و هم فکری تمام علاقه مندان و اساتید محترم بتوانیم در راستای ترویج و توسعه حکمت و فلسفه اسلامی گامی مؤثر برداریم. ان شاء الله.

مدیر اجرایی  
محمدباقر خراسانی



در روز جهانی فلسفه ارائه شود که تقریباً صد مقاله از قم و شاید دوستان مقاله از تهران باشد را چاپ، ترجمه و به تمام دنیا فرستاد و جهانیان کرد و به صورت کتاب و نمایشگاه ارائه کرد.

❶ با توجه به توضیحاتی که درباره اهمیت و جایگاه جهانی این روز فرمودید، جایگاه مجمع عالی حکمت اسلامی را در برگزاری کنگره روز جهانی فلسفه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

**استاد معلمی:** الحمدلله خود دست‌اندرکاران همایش که در رأس آنها استاد بزرگوار جناب آقای دکتر حداد عادل قرار دارند، از ابتدا متوجه شدند که بخش فلسفه اسلامی و جزوی‌اش، به لحاظ جایگاهی که مجمع دارد، جز با محوریت مجمع نمی‌تواند انجام گیرد. هنگام شروع کار مجمع، همراه شماری از دوستان خدمت مقام معظم رهبری رسیدیم و گزارش‌هایی که ارائه شد و جمع‌بندی و ارشاداتی که ایشان فرمودند بسیار عالی بود و منشأ آغاز کار شد؛ سپس نظارت عالی حضرت آیت‌الله جوادی آملی، حضرت آیت‌الله مصباح و حضرت آیت‌الله سبحانی بر این امر و هیئت مؤسس بسیار متقن و محکم که جناب آقای فیاضی، آقای غروی، آقای دکتر بهشتی و دیگران در آن حضور داشتند و هیئت مدیره بسیار خوب و اعضای ارزشمند آن، موجب ارتقاء سطح مجمع شد. ما صد و بیست عضو در حد سطح چهارم، دکتری و مشترک به تدریس و تألیف داریم، وجود چنین مجموعه‌ای با نظارت عالی، هدایت و رهبری این سه بزرگوار و با ظرفیت بالایی که داشت می‌تواند که تهران کار فلسفه اسلامی را به مجمع واگذار کند و اتفاقاً همین هم اتفاق افتاد، در حال حاضر حدود دوازده سیزده مرکز ملی نام‌هایی که جناب آقای حداد برای آنها نوشتند و از آنها خواستند که از طریق مجمع با مسئولان برگزاری روز جهانی فلسفه مرتبط شوند، با مجمع در ارتباطند و این نشان‌دهنده جایگاه بسیار رفیع مجمع عالی حکمت است و همه بخش‌های مجمع عالی اعم از هیئت مدیره، کمیته علمی، شورای سیاست‌گذاری، مدیر اجرایی و عوامل دست‌اندرکار الحمدلله تا به حال با تمام توان تلاش کردند و با وجود اینکه فرصت بسیار اندک بوده است، به موفقیت‌های چشم‌گیری دست یافته‌اند و مجمع در حد جایگاه خودش به طور نسبی عمل کرده است الحمدلله.

❷ در بخش فلسفه اسلامی چه مراکز با مجمع عالی حکمت اسلامی همکاری کردند؟

**استاد معلمی:** مراکز دانشگاه



قم  
دانشگاه

پرديس قم، دانشگاه باقرالمعلوم (ع).

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده علوم و حیاتی معارج، پژوهشگاه بین‌المللی المسطفی (ص)، جامعه المصطفی العالمیه (ص)، بخش اصلی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، معاونت آموزش مرکز مدیریت حوزه علمی قم، معاونت پژوهش مرکز مدیریت حوزه علمی قم و دانشگاه مفید؛ اینها مجموعه‌هایی هستند که با ما به خوبی همکاری می‌کنند. بعضی از آنها به صورت بسیار جدی‌تری همکاری دارند؛ مثل پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه که در خدمت جناب آقای خسروپناه هستیم یا مؤسسه امام خمینی که از محضر جناب آقای دکتر فاضی بهره‌م می‌بریم یا بخش پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات جناب آقای علی پور، همکاری همه این مراکز خوب است؛ اما این مراکز مزبور همکاری عالی‌تری داشته‌اند و تاکنون کارهای بسیاری عرضه شده است.

❸ تاکنون چه اقداماتی در بخش فلسفه اسلامی صورت گرفته است؟

**استاد معلمی:** هنگامی که این بخش یعنی بخش فلسفه اسلامی و بخش جزوی مراسم به مجمع واگذار شد، در هیئت مدیره جلساتی برگزار کردیم و بلافاصله یک شورای سیاست‌گذاری تشکیل دادیم که این شورا سه جلسه برگزار کرد؛ سپس یک کمیته علمی شکل گرفت که از مجمع و همه مراکز همکار، نماینده‌ای در این کمیته کرد آمد. این کمیته تا به حال سیزده جلسه داشته است که با وجود اینکه با تأیید و تعطیلات مصادف شد، این سیزده جلسه به صورت بسیار عالی برگزار شد. در حال حاضر حدود نود و نه مقاله رسیده داریم و ارزیابی‌ها نشان داده

**فلسفه اسلامی از بهترین  
فلسفه‌هایی است که مبنای  
خوبی برای اعتقادات صحیح  
دینی به شمار می‌آید**

که تعداد زیادی از مقالات؛ یعنی اکثر قریب به اتفاق آنها حد نصاب را داشته‌اند، ولی از هشتاد به بالا و هفتاد و پنج به بالا هم زیاد داریم. خود ما هم باورمان نمی‌شد که این همه مقاله مقبول و پسندیده به دستمان برسد. اعلام کرده بودیم که می‌توانیم تا سی مقاله ارائه بدهیم، مسئولان تهران هم گفتند که اگر سی مقاله ارائه دهید کار خود را انجام داده‌اید. ولی الآن نود و نه مقاله رسیده است و این سیر هنوز هم ادامه دارد و قطعاً ما هشتاد و پنج تا نود مقاله مورد قبول خواهیم داشت و از این نود تا هم، قطعاً چهل تا پنجاه تا خوب و ده الی بیست مقاله عالی خواهیم داشت. این مطلب نشان می‌دهد که اقدامات خوب صورت گرفته است. این اقدامات عبارتند از برگزاری سه جلسه سیاست‌گذاری، سیزده جلسه کمیته علمی، شناسایی صدوسی و یک نویسنده و قبول موضوع صد و ده مورد و چکیده صدو هجده مقاله و نودونه اصل مقاله که به ما رسیده است و در بخش ارزیابی هم تاکنون هشتاد مقاله پذیرفته شده داریم. و تازه اگر اینها را هم طبقه‌بندی کنیم، ممکن است به صورت درجه یک و دو و سه درجه‌بندی کنیم و

پس از آن نیز باید زمینه‌های فراهم کنیم تا محققان، اساتید، دانشجویان و طلاب بتوانند در این همایش سه روز حضور فعال داشته باشند و جذای از ارائه مقالات، خود محققان، اساتید، دانشجویان و طلاب ما بتوانند در این همایش حضور فیزیکی بالفعلی داشته باشند. حضور در این همایش، ارائه مقاله و شنیدن آنها می‌تواند تجربه خوبی برای اساتید ما باشد. تلاش مجمع این است که در کنار اصل ارائه مقاله بتواند فعالیت‌هایی از قبیل کارهای نمایشگاه، عرضه محصولات، پیوند زدن بین اساتید، محققان، دانشجویان و طلاب با مراکز همایش در تهران، را نیز انجام دهد و ان‌شاء الله بتوانیم این کار را هم به بهترین نحو ممکن به انجام برسانیم.

با توجه به اینکه ایران اولین کشور آسیایی است که روز جهانی فلسفه در آن برگزار می‌شود، انتظار شما از جامعه علمی چیست؟

**استاد معلمی:** با توجه به پاسخی که به پرسش اول دادیم، اهمیت برگزاری مراسم در حد خیلی عالی می‌بینیم و انتظار داریم که هر کسی هرچه در توان دارد انجام دهد و کوتاهی نکند؛ حال با دادن مقاله یا با ترغیب دیگران به این کار یا با شرکت در مراسم روز جهانی یا ارائه ایده‌هایی که می‌توانند با عرضه آن، ما را در اداره بهتر مراسم یاری کنند؛ یعنی می‌توانند با حضور علمی و فیزیکی خود و یا با ارائه هدایت‌ها پیشنهادهاشان، در بهتر برگزار شدن این کار سهیم باشند. اینها توقعاتی است که ما برای بهتر شدن مراسم از محققان و اساتید داریم و الحمدلله همان‌طور که عرضه شد تاکنون به میزان هشتاد و یک درصد محققین ما و کسانی که با مجمع در ارتباط هستند، به این نیاز و خواهش ما پاسخ مثبت داده‌اند.

اگر مطلب خاصی دارید بفرمایید.

**استاد معلمی:** در آخر از مدیر اجرایی مجمع عالی حکمت، جناب آقای خراسانی و همه مجموعه دست‌اندرکار که در حقیقت زحمت اصلی و اساسی روی دوش این عزیزان است، تشکر می‌کنم. ما در هیئت مدیره با کمیته علمی بیشتر آینده‌پردازی، هدایت و توصیه را داریم. آنچه که کار را در مقام عمل پیش برده و زحمات را متحمل شده است، این بدنه اجرایی و به خصوص مدیر اجرایی و مجموعه دست‌اندرکارشان است که ان‌شاء الله خدا به آنها عزت و قوت بدهد.

و السلام علیکم و رحمة الله وبرکاته

کنگره روز جهانی فلسفه، زمینه و بستر خوبی است تا بتوانیم فلسفه‌ای که مبنای دین حق ما به شمار می‌رود را به جهان عرضه کنیم.

درجه یک آن که شامل پانزده الی بیست و حتی شاید بیشتر از آن مقاله عالی و قابل ارائه در متن و سخن کنفرانس داشته باشد. لذا ما از اقدامات صورت گرفته بسیار راضی هستیم و این اقدامات با توجه به محدودیت زمانی که داشته‌ایم بیش از حد انتظار ما بوده است و گرنه اگر فرصت یکی دو سال باشد این مقدار فعالیت طبیعی به شمار می‌رفت و باید بیشتر کار می‌شد، اما در محدوده زمانی سه چهار ماهی که ما داشتیم، پیشرفتمان عالی بوده است. مراکز هم همکاری بسیار خوبی داشته‌اند. محققین، مراکز و همه اساتید بزرگوار به خاطر همین جایگاهی که در پرسش نخست فرمودید خودشان متوجه شدند که باید مسئله را جدی بگیریم و اینجا از جاهایی است که نمی‌شود با مسامحه از آن گذشت.

با توجه به اینکه در استانه برگزاری اجلاس علمی همایش، سی ایان تا دوم آذر هستیم، مجمع عالی برای برگزاری بهتر کنگره چه برنامه‌هایی دارد؟

**استاد معلمی:** مجمع عالی تاکنون کارهای جایی همچون ارائه شرح حال بزرگان، خلاصه‌ای از آراء اندیشمندان معاصر، برپایی نمایشگاهی برای عرضه محصولات و... انجام داده است.

# گزارش ہمایہ سائنس و فلسفہ

مہر ۱۳۸۹



# سخنان

حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسی

دبیر علمی همایش دین و فلسفه



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ التَّحْمِيدُ لِلَّهِ رَبِّ  
 الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ  
 نَبِيِّنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ  
 عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ سَيِّمًا  
 بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ لِرِوَاغِنَا  
 فِدَاءً.

مقدم همه اساتید و

فضلای ارجمند و دانش‌پژوهان گرامی که در این همایش علمی حضور یافتند را گرامی می‌داریم. این همایش در حقیقت مقدمه ای است برای همایش بین‌المللی که به عنوان ششمین همایش بین‌المللی روز جهانی فلسفه در اواخر آبان‌ماه و اوایل آذر در تهران برگزار خواهد شد. گزارش همایش بین‌المللی را اسناد ارجمند جناب دکتر اعوانی تا لحظاتی دیگر بیان خواهند نمود و چگونگی واگذاری ششمین همایش بین‌المللی به ایران و اینکه برای این همایش چه برنامه‌هایی در نظر گرفته شده است را ارائه می‌نمایند.

بخش فلسفه اسلامی همایش بین‌المللی به مجمع عالی حکمت اسلامی واگذار شد که مجمع هم با تشکیل یک شورای سیاست‌گذاری مرکب از مراکز و نهادهای علمی گوناگون قم، از چند ماه پیش برنامه‌ریزی برای تأمین محتوای علمی در عرصه فلسفه اسلامی را به عهده گرفت. با استقبالی که فضلا و اساتید ارجمند داشتند به حمدالله پیش از صد مقاله به دبیرخانه بخش فلسفه اسلامی در مجمع عالی حکمت واصل شد که بسیاری از آنها مورد ارزیابی قرار گرفته است و محتوای لازم برای عرشه در این همایش را داشته‌اند. روز گذشته در پنج نشست

تخصصی زیرمجموعه همایش دین و فلسفه با عناوین انسان‌شناسی در فلسفه اسلامی، رابطه دین و فلسفه، فلسفه و معنای زندگی، فلسفه و اخلاق و فلسفه و سیاست، برخی از مقالاتی که به دبیرخانه رسیده بود در نشست‌های تخصصی عرضه شد و از سوی حاضران و اساتید گرامی مورد نقد و بررسی قرار گرفت. چنانکه عرض کردم این همایش در مقام مقدمه‌ای برای همایش بین‌المللی که با عنوان «فلسفه، نظر و عمل» در پایان آبان و اول آذر برگزار خواهد شد، به شمار می‌رود. شاید دلیل انتخاب ایران به عنوان مکانی برای برگزاری همایش روز جهانی فلسفه، روشن بودن چراغ حکمت در حوزه‌های علمیة شیعه است. همان‌طور که عزیزان و اساتید گرامی در جریان هستند در سایر بلاد اسلامی و مراکز علوم دینی تقریباً فلسفه اسلامی پس از غزالی رونق گذشته خود را از دست داد. تنها جایی که چراغ حکمت همچنان فروزون باقی مانده است و اساتید و شاگردان، این گنجینه حکمت را نسل به نسل منتقل کردند تا امروز در اختیار جوانان مشتاقی ما قرار گرفته، حوزه‌های علمیة شیعه بوده است. به ویژه در چند قرن اخیر که با ظهور حکمت متعالیه با ارتزاق از منابع ارزشمند



بیش از صد مقاله در این زمینه توسط همکاران گرامی و اساتید ارجمند، اعضای محترم مجمع عالی حکمت و همچنین دوازده نهادی که با آن همکاری داشتند ارائه شده است. بخشی از این مقالات روز گذشته در پنج نشست تخصصی عرضه شد و شماری از این مقالات نیز در همایش اصلی در تهران ارائه خواهد شد. جریان فلسفی و حکمی به لطف خداوند در دهه‌های اخیر در حوزه قم رونق ویژه‌ای یافته است. برجستار این حرکت جدید حضرت امام (رض) و مرحوم علامه طباطبایی (ره) بودند و امروز برکات وجودی دانش‌آموختگان مکتب این بزرگواران بر ما جاری است؛ اساتید ارجمندی که مجمع عالی حکمت اسلامی تحت اشراف و نظارت عالی آنها اداره می‌شود. حضرت استاد آیت الله علامه مصباح یزدی، حضرت استاد آیت الله جوادی آملی، فقیه و متکلم فرزانه حضرت آیت الله سبحانی که خداوند سایه پربرکت همشان را بر سر ما مستدام بدارد.

**انتخاب ایران به عنوان مکانی  
برای برگزاری همایش روز  
جهانی فلسفه دلیل روشن بودن  
چراغ حکمت در حوزه‌های علمیه  
شیعه است.**

گزارش نشست‌های تخصصی دیروز را نیز بنده به اجمال خدمت دوستان عرض کنم. روز گذشته در محل مجمع عالی حکمت پنج نشست تخصصی هم زمان برگزار شد. زبلموضوعات و ریزموضوعات همایش دین و فلسفه بدین شرح بودند:

اولین نشست با عنوان انسان‌شناسی در فلسفه اسلامی، نشستی تخصصی بود با مدیریت حضرت استاد حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای غروی، که در آن مقالات پرشماری ارائه شد. حدود هفت مقاله که دیگر به موضوعات مقالات و محتوای آنها نمی‌پردازیم، و تنها به عنوان مقاله اشاره می‌کنیم، مقالات: معناتناسی حکمت، سعادت، انسان کامل و رابطه آنها از دیدگاه ملاصدرا از استاد جناب آقای انتظام؛ زیبایی متهالی از دیدگاه ابن‌سینا کاری از جناب آقای ربیع؛ تکامل انسان در زندگی از منظر ملاصدرا نوشته سرکارخانم شریف؛ هندسه تعامل عناصر بنیادین تربیت از منظر صدرالدین شیرازی از جناب آقای طاهری؛ نقش فلسفه در تکامل انسان کاری از جناب آقای عبدالهی؛ اختیار فعل ارادی و علوم انسانی از جناب آقای دکتر

معارف اهل بیت(ع)، حکمتی شکل گرفت که در خدمت دین و معارف دینی بود. شاید امروز در هیچ نقطه دیگری حکمت به مفهوم حقیقی کلمه، آنچنان که در این سرزمین و در حوزه معارف اهل بیت حضور دارد وجود نداشته باشد و این امتیاز منحصر به فردی است که حکمت اسلامی در ایران و در حوزه‌های علمیه شیعه دارد. به همین جهت هم توانمندیهایی این حکمت این ضرورت را ایجاد می‌کند که ما آن را در قالب‌های نوین و امروزی به جهان و بشریت امروز عرضه کنیم. همایش روز جهانی فلسفه فرصتی مناسب برای عرضه این قابلیت‌ها و توسعه دامنه حکمت اسلامی به عرصه‌هایی است که بشر امروز به آن نیاز دارد. حکمتی که از معارف الهی ارتزاق کرده و سیراب شده و همواره طی قرون اخیر برخلاف مسیری که فلسفه در چند قرن اخیر در دنیای غرب طی کرده و تقریباً گسستی با دین یافته، در خدمت تثبیت و تبیین معارف الهی بوده است. گرچه در پاره‌ای از جریان‌ات توجه به حقایق دینی در فلسفه موجود در دنیای غرب هم موجود بوده و هست، اما یک ارتباط عمیق میان دین گریزی جدید و فلسفه غربی وجود دارد. برخلاف این مسیر، حکمت اسلامی روز به روز صبغه دینی و الهی بیشتری یافته و این جز به برکت زلال معارف اهل بیت (ع) و معارف بلند عقلی که از کلمات نورانی ایشان به دست ما رسیده و زمینه‌ساز شکل‌گیری یک حکمت دینی در سرزمین عقاید تشیع شده نبوده است.

در این جایگاه دوباره از همه عزیزان، سروران گرامی، اساتید ارجمند سیاستگذاری می‌کنم و خدمت همه دوستان و گرامیان خیر مقدم عرض می‌نمایم. با توجه به فرصت محدودی که در اختیار داریم و بنا است که امروز به جز گزارشی که از جناب استاد ارجمند دکتر اعمالی استفاده خواهیم کرد، به عنوان افتتاحیه این همایش از محضر حضرت استاد علامه مصباح بهره مند شویم و در پایان هم از محضر استاد ارجمند حضرت آیت‌الله علامه جوادی آملی استفاده نمایم.

**جریان عقل‌گرایی اعتدالی که در  
میان شیعه شکل گرفته است، وجه  
معیز حوزه‌های علمیه شیعه در  
طول تاریخ بوده است**

بخشی از مسئولیت حوزه فلسفه اسلامی ششمین همایش جهانی فلسفه که امسال در تهران برگزار می‌شود، به مجمع عالی حکمت اسلامی سپرده شده است. همانطور که گفته شد

علی مصباح؛ زیباشناسی در آثار صدرالمعالمین نوشته جناب آقای هاشم نژاد، این هفت مقاله‌ای بود که در کمیته تخصصی و نشست تخصصی انسان‌شناسی در فلسفه اسلامی عرضه شد.

موضوع دومین نشست تخصصی رابطه دین و فلسفه بود؛ البته عنوان اصلی همایش دین و فلسفه است، یکی از موضوعات فرعی هم رابطه دین و فلسفه بود. مدیر علمی این نشست جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر علی مصباح بودند. پنج مقاله در این نشست تخصصی عرضه شد: یک نقش آیات و روایات شیعی در شکوفایی عقل از جناب آقای محمدی؛ **philosophy of believe, philosophy of future** از جناب آقای مهدی حسین‌زاده که به زبان انگلیسی ارائه شد؛ فلسفه اسلامی و اسلام نوشته جناب آقای خدابخشیان؛ مناسبات عقل و عرفان کاری از جناب آقای دکتر فتابی؛ منجی‌گرایی و آینده‌گرایی از جناب آقای الهی‌نژاد.

نشست تخصصی سوم فلسفه و معنای زندگی با مدیریت علمی جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر آذربایجانی و شش مقاله در این نشست عرضه شد: مقاله اول معنای زندگی در حکمت متعالیه از خود جناب آقای دکتر آذربایجانی؛ مقاله دوم آثار تربیتی نظریه وجود ربعلی از نگاه صدرالمعالمین اثر جناب آقای امینی‌نژاد؛ مقاله سوم معنای زندگی از نگاه ملاصدرا و جولیان بگینی از جناب آقای ایراندوست؛ مقاله چهارم لذت زندگی در حکمت اسلامی کاری از جناب آقای پناهی؛ مقاله پنجم فلسفه اسلامی کاربردی و پراگماتیسم نوشته جناب آقای دکتر رضائیا؛ مقاله ششم معنای زندگی در فلسفه اسلامی با محوریت نظرات صدرالمعالمین اثر جناب آقای موفق.

نشست تخصصی چهارم فلسفه و اخلاق با مدیریت علمی حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای معلمی و با ارائه هفت مقاله: ۱. بحث از عینت و ذهنیت اخلاق در مسئله اعتباری یا نفس‌الأمری بودن حسن و قبح ذاتی از جناب آقای اهنگران؛ ۲. علامه طباطبائی، نسبت با انطلاق کاری از جناب آقای اکبرزاده، قاعدتاً منظور نسبت با انطلاق گزاردهای اخلاقی و ارزشی بوده است؛ ۳. ارتباط عقل نظری، علم نظری و عقل عملی، علم عملی از دیدگاه ابن‌سینا نوشته جناب آقای خادمی؛ ۴. ارتباط میان نظر و عمل در تاریخ فلسفه مطالعاتی تطبیقی در فلسفه ارسطو و فلسفه ابن‌سینا از جناب آقای شمشیری؛ ۵. باور به خدا شرط باور به هر گزاره ایجابی در علم و عمل کاری از جناب

حجت الاسلام آقای عشاقی؛ ۶. پرسش اصل بنیادین فلسفه اخلاقی در دیدگاه استاد مطهری، اثر جناب آقای مسلم محمدی؛ ۷. تحلیل ارزش اخلاقی از منظر استاد مصباح از آقای دکتر مجتبی مصباح.

کمیته تخصصی پنجم با موضوع فلسفه و سیاست با مدیریت استاد پارساتیا و ارائه هشت مقاله: مقاله اول سیاست و پایان فلسفه از جناب آقای واعظی؛ مقاله دوم رابطه حکمت نظری و فلسفه سیاسی در فلسفه اسلامی اثر جناب آقای بوسقی‌راد؛ مقاله سوم رابطه فلسفه سیاسی با علم النفس صدرایی کاری از جناب آقای امید؛ مقاله چهارم اندیشه سیاسی معاصر ایران نوشته جناب آقای پزشکی؛ مقاله پنجم هستی‌شناسی جامعه و حکیمان نوصدرایی معاصر از سرکار خانم شاکری؛ مقاله ششم بررسی تطبیقی اندیشه اجتماعی فارابی و ابن‌خلدون اثر جناب آقای عبدی؛ مقاله هفتم موقعیت‌شناسی رفتار خردمندانه در برخورد‌های اجتماعی از جناب آقای کبیر؛ مقاله هشتم ارتباط نظر و عمل در فلسفه سیاسی فارابی نوشته جناب آقای یزدانی مقدم.

این مقالات در پنج نشست تخصصی در مکان مجمع عالی حکمت ارائه و توسط حصار هر نشست مورد بررسی، نقد و گفتگو قرار گرفت. شمار مقالاتی که با همت دوازده نهاد همکار مجمع عالی حکمت



اسلامی آماده شده است و برگزیدگان این مقالات در نشست تهران هم عرضه خواهد شد، به بیش از صد مقاله می‌رسد و حتی بیش‌بینی می‌شود تا حدود صد و پنجاه مقاله به دبیرخانه

برسد. با توجه به واگذاری مسئولیت بخش فلسفه اسلامی همایش روز جهانی فلسفه به مجمع عالی حکمت یک شورای سیاست‌گذاری از جانب هیئت مدیره مجمع عالی اسلامی شکل گرفت و پس از آن یک شورای

علمی با حضور نمایندگان بیش از دوازده مرکز و نهاد علمی تشکیل شد که سه ماه گذشته جلسات پرشماری داشتند و همین جلسات زمینه‌ساز جلب این مقالات و ارزیابی آنها گردید. اسامی مراکز دوازده‌گانه‌ای را که با مجمع عالی حکمت همکاری داشتند عرض می‌کنیم: دانشگاه جامع قم؛ دانشگاه تهران، پردیس قم؛ دانشگاه باقرالعلوم وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی؛ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛ مرکز جامعه المصطفی العالمیه؛ مؤسسه آموزشی و پژوهشی حضرت امام زیر نظر آیت الله مصباح یزدی؛ معاونت آموزش حوزه علمیه؛ معاونت پژوهش حوزه علمیه و بخش انجمن‌های علمی. البته مراکز دیگری نیز دعوت شده بودند که ظاهراً برایشان امکان حاصل نشد که در جلسات حضور دائمی داشته باشند. ولی امیدواریم در ادامه مسیر از سایر مراکزی هم که آمادگی همکاری داشته باشند، در جهت غنی‌سازی محتوای همایش بهره‌مند شویم.

حیات مستمر فلسفه اسلامی به ویژه حرکتی که در این چند قرن اخیر حکمت اسلامی به خود گرفته است، امروز مورد توجه و نیاز بسیاری از جوامع بشری است. ادیان الهی برای دفاع از اندیشه دینی و پاسخ به شبهات مطرح شده و دفاع از خود در برابر آنها به چنین ابزاری نیاز دارند و فلسفه اسلامی طی چند دهه اخیر توانایی خودش را در پاسخگویی به شبهات نشان داده است. جریان فلسفه اسلامی از زمان مرحوم علامه طباطبایی با ورود به اینگونه ساختها و عرضه‌ها و پاسخ‌گویی به شبهات مکاتب الحادیه که در آن زمان به ویژه ماتریالیست دینانگیزی که به عنوان یک نمونه که در کشورهای اسلامی و در سطح جهان مطرح بود نشان‌دهنده قوتی است که حکمت اسلامی در

آن عرصه داشته است. مبانی اساسی معرفتی علوم انسانی جدید که طی چند سده اخیر توسط نسبی‌گرایی معرفتی که برآمده از فلسفه جدید غربی است به شدت متزلزل شده است به تثبیت و

دفاع عقلانی جدی نیاز دارد. فلسفه اسلامی با ورود به حوزه معرفت‌شناسی در چند دهه اخیر نشان داده است که در این زمینه حرف‌های فراوانی برای گفتن دارد و می‌تواند در مقام یکی

**فلسفه اسلامی با ورود به حوزه معرفت‌شناسی نشان داده که می‌تواند به عنوان یکی از سدهای محکم در برابر موج نسبی‌گرایی معرفتی که برآمده از فلسفه جدید غربی است، ایستادگی کند**

از سدهای محکم در برابر موج نسبی‌گرایی معرفتی ایستادگی کند. از این جهت برگزاری مراسم روز جهانی فلسفه و همایشی که بنا است برگزار شود فرصت مغتنمی برای عرضه توانایی‌های این حکمت و همچنین زمینه‌سازی برای ورود فلسفه اسلامی به حوزه‌هایی که تاکنون کمتر به آنها پرداخته می‌باشد.

شکل‌گیری مجمع عالی حکمت اسلامی که به رهنمود و انگشت اشاره مقام معظم رهبری در دیداری که مدرسان و اساتید حکمت اسلامی چند سال پیش با ایشان داشتند، زمینه‌ساز گردهمایی صاحب‌نظران و اساتید حکمت اسلامی بوده است و نوید ورود حکمت اسلامی به این ساحتهای جدید را می‌دهد. گروه‌های علمی که در ذیل مجمع عالی حکمت اسلامی شکل گرفته است از جمله گروه فلسفه، گروه عرفان اسلامی، گروه کلام، گروه معرفت‌شناسی و گروه فلسفه‌های مضاف، نشان می‌دهد که با بسیج امکانات علمی حوزه قم می‌توان به این عرصه‌های تازه نیز پا گذاشت و حرکت جدیدی و جنبش و یوایی نوینی در عرصه فلسفه اسلامی و حضور فلسفه اسلامی در این زمینه‌ها به وجود آورد. انتظاری که از صاحب‌نظران، اساتید و پژوهشگران داریم این است که در این زمینه با مجمع عالی حکمت اسلامی همکاری داشته باشند و در نشست‌های تخصصی که در گروه‌های مربوطه و پاد شده برگزار می‌شود از حضور عزیزان و صاحب‌نظران و کسانی که آراء و تحقیقات جدیدی دارند و قصد دارند آن را ارائه کنند تا در یک جمع علمی کانون نقد و بررسی قرار گیرد. دعوت می‌کنیم که در این نشست‌های علمی مجمع عالی حکمت اسلامی حضور یابند و نقطه نظرات و دیدگاه‌هایشان را ارائه کنند. و اگر ایده‌های تازه‌تری در

# دکتر غلامرضا اعوانی

ویدئوی سخنرانی روز جهانی فلسفه

ایا جز علم چیز دیگری در قرآن وجود دارد که خداوند پیامبر را به طلب زیادت از آن امر فرموده باشد؟ و عالی ترین شاخه علم حکمت است؛ یعنی حکمت در مقامات طولی علم، بالاترین درجه را دارد. اما سیر حکمت در جهان یکسان نبوده است. برخلاف آنچه که در عالم اسلام می بینیم، اگر ما سیر حکمت را در تاریخ بشر مثلاً در یونان که غربی ها می گویند مهد حکمت بوده است بررسی کنیم در می یابیم که از حکمت فاصله گرفته است. البته مانند حکمت های دیگری که از تمدن های دیگر بود. اسلام وارث این حکمت بود نه غرب؛ غرب وارث حکمت نبود و اگر هم فلسفای به غرب پا گذاشت از طریق اسلام بود. سیر حکمت در غرب و آنچه که غربی ها می گویند از سوفیا بوده به فیلسوفیا و از فیلسوفیا به میزوسوفیا یا به سوفسطی؛ یعنی از حکمت به فلسفه و به سفسطه بوده است. اینها هر سه یک ریشه دارد: حال این مسئله بسیار عجیب است. واژه حکمت به زبان یونانی سوفیا، فلسفه، فیلسوفیا می شود. یعنی محب الحکمه و سوفیست که از همان کلمه سوفیا می آید عکس حکمت را معنی می دهد. اگر در این باره به خود یونان هم توجه کنید می بینید که این سیر، از حکمت به فلسفه و از فلسفه به سفسطه بوده است. سوفیست ها هم در همان دوره حرکت فلسفه به سفسطه ظهور پیدا کردند. در غرب هم همین طور؛ فلاسفه بودند، حکماء بودند و شمار سوفسطائیان هم کم نبود. اما هنگامی که فلسفه وارد سرزمین وحی شد اسلام نمی توانست همه چیز را به عنوان فلسفه و حکمت بپذیرد. تنها حکمت ناب را قبول کرد و چیزی به جز حکمت را نپذیرفت. این نکته بسیار در خور توجه است؛ یعنی فلسفه در سرزمین وحی و قرآن، جز حکمت نمی تواند باشد؛ چون خود قرآن حکمت متعالیه و اعلا است و اینکه خداوند از قرآن و کتب الهی با عنوان حکمت یاد کرده است؛ نباید این اشتراک لفظی موجب شود که لفظ حکمت را مشترک لفظی در نظر بگیریم، بلکه باید آن را مشترک معنوی بدانیم. حکمت به معنای علم کتاب و الحکمه که در باره حضرت رسول (ص) و انبیای دیگر تکرار شده است. کلامی است حق. کتب الهی و به ویژه کتاب قرآن حکمت است و انبیا علمان حقیقی حکمت هستند. البته چنانکه بارها تکرار شد، این از راه ترکیب و سلوک است. بنابراین پیامبر، حکیم متعالی به معنای اعلا درجه حکیم

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم  
حسبنا الله ونعم الوكيل  
نعم المولى و نعم  
التعبير.

شرکت در این محفل شریف که به مناسبت روز جهانی فلسفه توسط مجمع عالی حکمت تشکیل شده است برای بنده بسیار موجب مباهات است. همان طور که گفته شد ایران مهد حکمت اسلامی و الهی است و هرچه واقعاً به روزگار کنونی نزدیک تر شده ایم بیشتر به سوی حکمت الهی پیش رفته ایم. نباید فراموش کنیم که خداوند تمام دنیا را قلیل می داند؛ تمام دنیا در نظر خدا قلیل است. اما در عین حال حکمت را خیر کثیر نامیده است. این نکته ای است که باید بسیار کانون توجه باشد. تمام دنیا و ما قیها، ما سوی الله، با همه عظمتی که دارد از دید خداوند قلیل است؛ اما در همین دنیا گوهری یافت می شود به نام حکمت و خداوند از آن به خیر کثیر تعبیر کرده است. خیر هست اما مشخص است که آنچه را خداوند در کتاب مبین الهی از آن به خیر کثیر یاد کرده است واقعاً چیز دیگری است؛ زیرا خداوند از هیچ چیز دیگری به خیر کثیر تعبیر نکرده است جز حکمت. این جای بسی تأمل دارد و حقیقتاً باید درباره آن اندیشید و اهمیت حکمت را دریافت. حکمت از شاخه های علم است؛ عالی ترین شاخه علم؛ و علم تنها چیزی است که خداوند حضرت رسول را به طلب زیادت از آن امر فرمود که فقل رب زدنی علماً.

گزارش

فلسفه اسلامی

شماره ۱۲۰۰۰

است و این بسیار عجیب است. برای من همیشه یک پارادوکس است. بیشترین و بزرگترین ستایش از عقل در قرآن است. هیچ آیه‌ای نیست که در نكوهش عقل باشد. عقل حتی در آن درجه‌ای است که کسانی هم که جحیم و سعیر یعنی پایین‌ترین درجهٔ دوزخ هستند می‌گویند: **لو كنا نسمع و نعقل ما كنا من اصحاب السعیر**: «اگر ما سمع داشتیم و می شنیدیم یا عقل داشتیم الآن در ته دوزخ نبودیم»؛ یعنی عقل موجب پناه و نجات است. و آیات بسیار دیگری نیز در ستایش عقل وجود دارد. با این تفاسیر چطور شده است که در عالم اسلام این همه گرایش‌های ضدعقلی به چشم می‌خورد؟ شما می‌بینید گرایش‌های ضدعقلی زیاد است و تنها در مکتب تشیع و در مکتب ولایت بوده است که این گرایش‌ها بسیار ضعیف بوده یا اصلاً وجود نداشته است. و به همین خاطر است که حکمت در آنجا نشو و نما یافته است. این جمع بین حکمت

**فلسفه باید با زندگی روزمره، در همه سطوح، در سیاست و در اخلاق ایفای نقش کند تا ببینید چه مشکلاتی را می‌تواند رفع کند**

بحثی استدلالی و ذوقی است که قوت گرفته است. یعنی شما این را هیچ جای دیگری نمی‌بینید. حکمت بحثی به قوت و کمالی که در هر جایی از عالم یافت شود، به صورت تمام و کمال در این سینا، ملاصدرا و خواجه وجود دارد. یعنی این سینا در حکمت بحثی خیلی کامل‌تر از ارسطو است؛ وقتی شما شفا را بخوانید، منطقی را بخوانید می‌بینید که این سینا مطالب ارسطو را به کمال رسانده است. اما درباره این سینا باید گفت که ایشان را که زدیم به حکمت بحثی بسته نکرده است. چنانکه در حکمت شفا می‌گوید ولو اینکه تمام نقص‌های حکمت بحثی را کامل کردم، تمام این رخنه‌ها را پوشاندم، چنان کردم و چنین کردم، اما کسانی که طالب خواندن حکمت من هستند ابتدای شفا می‌گویند، به حکمت مشرقیه مراجعه کنند. البته مقدمه‌ای از خود کتاب حکمت مشرقیه پیدا شده است. حکمت مشرقیه حکمت ذوقی است؛ یعنی سیر از حکمت بحثی به سوی حکمت الهی؛ یعنی او ارسطو را کسانی نمی‌یافت و دریافت که واقعاً می‌شود حکمت را در جهت دیگری بسط داد و کتاب اتصال و به اصطلاح خودش حکمت مشارقه و مغایره را در بیست جلد نوشته بوده که متأسفانه در حملهٔ مسعود غزنوی ضدفلسفی در حملهٔ مسعود غزنوی پسر سلطان محمود از بین رفته است. این کتاب بیست جلدی که در چندین هزار مسئله بین مشارقه و مغایره

است، ولو اینکه ما این لفظ را در بارهٔ حضرت رسول (ص) به کار نمی‌بریم؛ اما وقتی که تعلیم حکمت می‌کند **یعلم الكتاب و الحکمة** قاعداً باید از حد اعلائی حکمت برخوردار باشد تا بتواند دیگری را تعلیم کند و بگردد:

**ذات تالیفته از هستی‌بخش کی تواند که شود هستی‌بخش**  
این نکته در خور توجه است که چرا حکمت در ایران و نه در جای دیگر عالم اسلام وجود داشته است. بنده ناسیونالیست نیستم این در مقام حدیث حکمت است و **ما بنعمة ربك فحدث**. حدیث نعمت پروردگار است که **و ان شکرتم لأزیدنکم**. ما اگر شکر نعمت را کنیم خداوند زیادت هم

می‌دهد. این نیست مگر به جهت حکمت علوی و حکمت ولوی. چنانکه حکمای بزرگ ما نشان داده‌اند و خود این در حکمت اسلامی مبین شده است. راه ولایت حقه الهی راه حکمت است. بنابراین ائمه اطهار و ارشاد حقیقی حضرت رسول بودند؛ و علماء و ارشاد حقیقی ائمه اطهارند؛ العلماء ورثة الانبیاء. ائمه اطهار بودند که با به پای پیامبر گذاشتند و مقام ولایت آنها تالی تلو همان ولایت

حضرت رسول است و این حکمت علوی است که سرچشمه آن را باید در اهل عصمت و طهارت جست و به آن متتهایی که باید در سیر و سلوک رسید و حضرت رسول به آن رسیده بوده است و واقعاً لازمید علیه.

بشر به مقام **قاب قوسین او ادنی** که خدا وصف کرده رسیده است. یعنی بالاترین جایگاهی که بشر به آن دست یافته است. برخی حکما این را گفته اند که آیا کسی به مقام **او ادنی** رسید؟ پاسخ دادند نه **او ادنی** مقام پیامبر اسلام است و ارشاد او. ولو اینکه انبیای اولوالعزم دیگر ممکن است به قاب قوسین رسیده باشند ولی **او ادنی** تنها مقام پیامبر اکرم (ص) است. پس این اوج حکمت و معرفت است؛ همانگونه که در سورهٔ التاجیم بیان شده است. این سوره از این بسیار در خور بررسی است. اما یکی از مزایای حکمت اسلامی که در حکمت‌های دیگر دیده نمی‌شود و خاص حکمت اسلامی است، انواع دیگر حکمت در نقاط دیگر نیز یافت می‌شود، اما نوعی از حکمت وجود دارد که جهان امروز به آن نیازمند و تشنهٔ آن است که سرچشمهٔ آن همان حکمت اسلامی ما است و به این صورتی که ما داریم. در هیچ جای دیگر حتی در نقاط دیگر جهان اسلام نیز وجود ندارد و آن هم به دلیل غلبهٔ اشعریت بوده است؛ اشعری و ضدعقلی. حال می‌بینیم که گرایش‌های موجود، همه گرایش‌های ضدعقلی

حکمت کرده و کتاب‌های دیگر او از بین رفته است. ولی این راه بوده است برای حکمت اشرافی و حکمت متعالیه؛ یعنی در حکمت بحثی صرف نبوده، با اینکه حکمت بحثی را به کمال

رسانده است. کما اینکه سهروردی بحث‌هایی دربارهٔ بحث مراتب حکمت، مراتب طولی حکمت، حکمت ذوقی، حکمت الهی و حکمت بحثی دارد.

**تنها در مکتب تشیع و در مکتب ولایت بوده که گرایشات ضد عقلی بسیار ضعیف و یا اصلاً وجود نداشته است و به همین خاطر حکمت در آنجا نشو و نما یافته است**

دو را جمع کرده است: هم حکمت ذوقی و هم حکمت بحثی و این همان چیزی است که دنیای امروز سخت به آن نیاز دارد. یکی از دوستان ما که استاد بود، دیداری با هایدگر داشت

و هایدگر در آن دیدار به ایشان گفته بود کاری که شما کردید، جمع بین حکمت استدلالی و حکمت ذوقی، که در هیچ‌جا انجام نشده است؛ این سخن هایدگر برای من خیلی عجیب بود. حالا لازم نیست که هایدگر این را بگوید؛ اما او نیز به این نکته توجه کرده است؛ حال از همان میزان که در دستش بوده است، از طریق خوردن با راه دیگر به این رسیده است که این یک

دستاورد است. امروز ممکن است حکمت بحثی بدون حکمت ذوقی و الهی به شکایت بیانجامد. چنانکه امروز پایان این نوع فلسفه است؛ برای اینکه پشتوانه الهی ندارد. در بعضی مسائل جزئی خیلی مسائل این گونه اند ولی حکمت تولد ثانی است. نم‌ی‌دخول ملکوت السموات من لم یولد مرتین، اگر فلسفه‌ای که در عرض علوم باشد، ولو اینکه بسیار دقیق باشد و دارای مسائل بسیاری نیز باشد، اما موجب بیدار شدن به حق نباشد، یعنی حکیم و متاله و به تعبیر افلاطون آن کسی که اشیا را به گونه ای می‌بیند که گویی خدا می‌بیند؛ از یک صقع الهی سلوک کند و از راه تزکیه معراج کند و دین راه تزکیه است؛ این خیلی اهمیت دارد. بنابراین مسائل فلسفه ما بسیار غنی است؛ اصلاً مباحث فلسفه پایان ندارد. اما روح فلسفه باید اسلامی باشد. روح فلسفه اسلامی که در حکمای ما بوده و هست، آن چیزی است که حیات ثانی در قرآن نیز پیامبر هم در قرآن در مورد پیامبر می‌گوید حیات می‌دهد مگر مردم مرده‌اند؟ بله مرده به روح ممکن است باشند نوعی یقله و بیداری است. چنانکه وقتی انسانی خواب، بیدار می‌شود به گونه دیگری است. این روح فلسفه الهی که در انسان یک آگاهی الهی به وجود می‌آورد باید مورد توجه قرار بگیرد. الناس نیام فلما ماتوا انتبهوا که حضرت رسول و حضرت علی علیهما السلام فرمودند کلام مهمی است. بنابراین حکمت به انتباه می‌انجامد و علوم به انتباه نمی‌انجامد مگر اینکه با حکمت توأم باشد؛ اصلاً کار علوم این نیست. فلسفه جدید هم به انتباه نمی‌انجامد، چون کنار علوم است و در عرض علوم. حکمت الهی است که انسان را بیدار به حق می‌کند؛ ناله است؛ خداگونه شدن است و این روح فلسفه اسلامی که دربارهٔ حکمای ما بوده است؛ از ابن سینا و خواجه نصیر بوده است. حکمای امروز و بزرگان ما نیز این روح را دارند. بنده خطایم به طلاب است و گرنه اساتید بزرگوار می‌که در اینجا حضور دارند

حکمت بحثی با اینکه کمال است اما کمال حکمت نیست. و این سیر تا حکمت متعالیه ادامه می‌یابد. حکمت متعالیه وحدت حکمت است. دین اسلام دین توحید است؛ این توحید و وحدت باید در حکمت و مراتب گوناگون آن نیز حفظ شود. اسلام به این سرنوشت غریب دچار شد که حکمت دوگانه و حقیقت مشاعف داشته باشد و همین باعث فروپاشی هم حکمت و هم دین در غریب شد. چنین چیزی در عالم اسلام روی نداده است و همواره به سوی تعالی پیش رفته است؛ به صورت توحید حکمت و وحدت کلمه آن که این در حکمت متعالیه به کمال می‌رسد؛ یعنی وحدت حکمت. ما تنها یک حکمت داریم و این حکمت در جات گوناگون دارد و مشکک است؛ اما همه آنها حکمت است. چنانکه علم هم مراتبی دارد. بنده عباراتی را در آثار صدرا یافته‌ام که می‌گوید و حکمتنا العتالیه عن البحت؛ این عبارت را دو یا سه بار در رسالت او یافته‌ام. حکمتنا العتالیه عن البحت یعنی حکمت متعالیه نیاز به بحث دارد و بدون بحث فلسفه نیست. فلسفه بحثی و استدلالی است؛ اما در بحث منابع او تعالی می‌یابد و به وحی می‌رسد. خود وحی عین حکمت است و اینکه می‌توانیم وحی را حکمی بفهمیم از راه حکمت است نه کلام. راه کلام، روش حکمت نیست. از راه حکمت متعالیه است که وحی حکمت به شمار می‌آید و حکمت بودن آن واقعاً دانسته می‌شود و به صورت علم حقیقی تعالی درمی‌آید. این جمع بین حکمت ذوقی و بحثی که از ابن سینا آغاز شده و در حکمت متعالیه و همچنین در حوزه‌های کنونی ادامه یافته است، نقطه برجسته ای در حکمت به شمار می‌رود که در هیچ‌جای دنیا انسانی نیفتاده است. مثلاً در جایی همچون هند ممکن است نوعی حکمت ذوقی وجود داشته باشند، اما حکمت بحثی ندارند. ارسطو حکمت ذوقی دارد، اما همان گونه که سهروردی تذکر داده است در حکمت الهی ضعیف است. اما حکمت تالیی هر

از این کلمات می‌آیند. بنده اینجا درس می‌دهم، اما برای طلاب می‌گویم که وقتی می‌خواهیم حکمت بخوانیم باید بدانیم که مسائل بسیار دقیقی دارد اما باید آن روح فلسفه اسلامی و آن تولد ثانی بیدار شدن به حق و دیدن همه چیز از صقع الهی که در تعریف تاله آمده است حکمت به عنوان تشبیه به خدا آمده است. این را نباید فراموش کرد. صدرا و پتگشتاین نیست چون خیلی مسائل است ممکن است بحث، آن همان یک دید اسفار اربعه می‌گوییم و این اسفار اربعه هم در دین هست. اگر برنامه دین درست اجرا شود همان سلوک است. سلوک الهی و سلوک معنوی است. به خاطر اطناب کلام عذر می‌خواهم. بنده این مطلب را به عنوان تذکر عرض نمودم. سازمان یونسکو برگزاری مراسم روز جهانی فلسفه را از سال ۲۰۰۲ آغاز است. آنها دیدند که توجه به علوم دیگر زیاد است، اما نسبت به فلسفه که همیشه ام‌العلوم بوده است بی‌توجهی شده است و این خطر بزرگ را احساس کردند. بنابراین یک روز را به نام روز جهانی فلسفه اعلام کردند. این روند از سال ۲۰۰۲ آغاز شده و سه سال نخست در مقر خود یونسکو واقع در پاریس برگزار شد و فلاسفه دنیا گرد آمدند و این روز را گرامی داشتند؛ اما پس از سه سال برگزاری این مراسم به طور بین‌المللی به کشورهای دیگر واگذار شد. یعنی به این ترتیب که سال نخست یک کشور به طور بین‌المللی این مراسم را برگزار می‌کند و کشورهای عضو یونسکو که حدود ۱۵۰ کشور یا بیشتر هستند همان روز را با همان عنوان بین‌المللی برگزار کرده و سمینار یک روزه تشکیل می‌دهند. ما هم از بدو نام‌گذاری این روز، در انجمن حکمت این روز را گرامی می‌داشتیم و سمینار

### راه ولایت حقه الهی، راه حکمت است و علماء، وارثان حقیقی ائمه اطهار (ع) هستند.

برگزار می‌کردیم. اما درباره چگونگی واگذاری این مراسم به ایران؛ به مناسبت روز جهانی مولانا که ایران هم در آن شرکت داشت، فرصتی برای ما پیش آمد و بنده گفتم که تحقیقی کنم ببینم اگر ما درخواست برگزاری این مراسم در ایران را کنیم این امکان وجود دارد که این روز را بپذیریم؟ در این باره با چند نفر صحبت کردم؛ گفتند این امکان وجود دارد. من برایشان درباره وضعیت فلسفه در ایران، شکوفایی و حیات بسیار مستمر آن در کشور، و اینکه فلاسفه بسیار بزرگ و

تأثیرگذار که در جهان هم مطرح بوده اند در ایران وجود داشته اند که غربی‌ها بخشی از آنها را می‌شناسند و اینکه فلسفه به صورت زنده و مستمر از استاد به شاگرد انتقال یافته و فلسفه در ایران برخلاف تقاضای دیگر، فلسفه مسئله محور است نه تاریخ محور. هر مسئله به صورت مسئله‌ای زنده مطرح می‌شود؛ ما اساتیدی داریم که استادان خودشان را تا ابن‌سینا می‌شناسند؛ حکمت‌های گوناگون از جمله حکمت اشراق را شرح دادیم. خلاصه گفتند نامه‌ای بنویسید و همه این مطالب را در آن بیان کنید. بنده نامه‌ای ده پانزده صفحه‌ای نوشتم و همه این مطالب را توضیح دادم و درباره بزرگان مکاتبمان نوشتم؛ مثلاً تهران، اصفهان، شیراز، سبزوار، قم و جاهای دیگر که مهد فلسفه بوده و هست تمام اینها را توضیح دادم که این مراسم در سال ۲۰۱۲ به ایران واگذار شود. بنده گفتم این تاریخ دیر است و بالاخره برنامه سال ۲۰۱۰ را سه سال پیش به ما دادند و گفتند برای این مراسم موضوع تهیه کنید. ما جلسات پرشماری با حضور نمایندگان از دانشگاه و حوزه برگزار کردیم؛ خلاصه رأی‌گیری شد و فقط یک موضوع فلسفه با عنوان نظر و عمل رأی آورد. ما این مطلب را برای آنها نوشتیم؛ اینجا پاسخ دادند که موضوع بسیار جالب و مهمی است. منتها یونسکو می‌خواهد نظر و عمل را با توجه به چالش‌های جهان امروز و اینکه مثلاً فلسفه می‌تواند در حل چالش‌های جهان امروز چه کمکی کند، مطرح شود. فلسفه باید با زندگی روزمره در همه سطوح، در سیاست و در اخلاق و در همه ابعاد نقش کند و ببیند می‌تواند چه مشکلاتی را رفع کند. همچنین از ما خواستند که زیرمجموعه‌ها و موضوعات فرعی این موضوع را تعیین کنیم. دوباره جلسات متعددی تشکیل شد و زیرمجموعه این عناوین فرعی نیز به تصویب رسید که موضوع میزگردهای ما اینها است و در این موضوعات مقاله ارائه خواهد شد؛ البته موضوع کلی ارتباط میان نظر و عمل با توجه به چالش‌های جهان امروز است و عناوین فرعی عبارتند از ارتباط میان نظر و عمل در فلسفه البته فلسفه‌های مختلف در مکتب‌های گوناگون این یک موضوع بحث است. فلسفه و اخلاق یعنی چالش‌های نظری و عملی در اخلاق، فلسفه و دین که خوشبختانه دیروز در این زمینه همایش‌های بسیار خوبی در قم و شیراز برگزار شده است. شاخه دیگری از عناوین فرعی علم و دین است که چند مقاله نیز آمده که آنها هم در زمینه فلسفه و دین است. فلسفه و سیاست باز محور دیگری است. فلسفه علم و تکنولوژی که در علم و تکنولوژی واقعاً مسائل بسیاری وجود دارد که فیلسوف باید درباره آنها بیندیشد. در غرب نیز کتاب‌های بسیاری نوشتند ولی باید دید که حکمت الهی در این باره چه

نظری دارد. به نظر من اگر راه حلی وجود داشته باشد که دارد. از راه حکمت الهی است. اگر غیر اینها باشد باز همان مسائل است؛ یعنی دور باطلی که پیش می‌آید و مسائل تکرار می‌شود؛ مگر اینکه با حکمت الهی اتصال یابد. بنابراین یکی از محورهای ما فلسفه و تکنولوژی است؛ یک محور دیگر فلسفه و زندگی روزمره است که در این باره همایشی یک‌روزه بیست و هشتم مهرماه امسال در دانشگاه امام صادق برگزار شد که آنجا هم ده پانزده مقاله به عنوان آسازگی برای روز جهانی فلسفه خوانده شد. یکی دیگر از این عناوین فلسفه هنر

و ادبیات نیز اکنون در دانشگاه ما تدریس می‌شود. در هنر و ادبیات مسائل نظری بسیاری وجود دارد که فلسفه باید به مسائل آنها بپردازد. عنوان دیگر فلسفه، فرهنگ و خانواده است

## فلسفه در ایران برخلاف نقاط دیگر، مسئله محور است نه تاریخ محور

الآن همه افتادند به جان سوراخ کردن این کشتی؛ همه دارند مسابقه می‌دهند و اوضاع هر روز بدتر می‌شود؛ بیخ قطب‌ها دارد آب می‌شود؛ سونامی‌ها اتفاق می‌افتد و هیچ کس هم جلودار نیست. اینجا حکمت باید یک بیداری بیاورد. فلسفه و آینده، فلسفه و صلح موضوعاتی است که یونسکو درخواست کرده است به خاطر اینکه امسال آخرین سال فرهنگ و صلح است این موضوعات را نیز جزو عناوین فرعی مطرح کنیم. یونسکو امسال را سال فلسفه و تقارب فرهنگ‌ها اعلام کرده است؛ فلسفه و حوزه عمومی هم جزو عناوین است. حال بنده

خلاصه‌ای از چگونگی مقاله‌ها ارائه می‌دهم. ما از مجمع عالی حکمت اسلامی صد قرارداد برای مقاله امضا کردیم. صد مقاله که بسیار درخور توجه است و غیر از مجمع عالی حکمت صد و نود خلاصه مقاله دریافت کردیم، هفتاد مقاله پذیرفته شده سفارش دادیم که به صورت قطعی پذیرفته شده. چکیده‌سی و چهار مقاله هم

پذیرفته شده و درباره اصل آنها باید داوری شود که هنوز داوری صورت نگرفته است. از میان هفتاد مقاله قطعی که با آنها قرارداد بسته شده پنجاه نای آنها داده شده است. همه این مقالات به انگلیسی ترجمه می‌شود. حال می‌خواهم از مترجمان قبلی نیز که اینجا هستند کمک بگیرم. تا اکنون چهار آلی پنج نفر پیدا کردیم، ولی این تعداد کم است. به پنج شش نفر دیگر نیز احتیاج داریم. چهار آلی پنج وپرستار بسیار خوب نیز داریم که این مقالات را وپرستاری کنند و آنها را به سطح بین‌المللی برسانند. ما واقعاً از مجمع عالی حکمت و جناب حضرت استاد آیت‌الله مصباح یزدی، حضرت استاد آیت‌الله جوادی آملی و همچنین آیت‌الله سبحانی که در رأس مجمع عالی حکمت هستند و از هیچ کمکی دریغ نکردند، تشکر می‌کنیم. تنها یک نکته را عرض کنم که با برگزاری این مراسم خیلی مخالفت شده است؛ اما هرچه مخالفت شود ما باید تلاش‌مان را بیشتر کنیم. مخالفان از کشورهای گوناگون نامه‌های بسیاری به مدیر کل یونسکو نوشتند و درخواست کردند که این فرصت را از ایران بگیرند؛ ولی ما به حمدالله اینها را دفع کردیم و الآن قرارداد امضا شده است. منظور اینکه هرگاه مخالفتی بوده است از این سو همت مضاعف شده است. امسال سال همت مضاعف است. بنابراین هرچه بیشتر بکوشیم که این مراسم باشکوه‌تر، بهتر و به ویژه با محتوای عالی‌تر برگزار شود، بر عزت و آبروی جمهوری اسلامی ایران افزوده خواهد شد. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

که بخش بسیار مهم آن فلسفه برای کودک است. الآن هیجده متخصص و استاد فلسفه تعلیم و تربیت در اینجا همکاری می‌کنند و مقاله ارائه می‌دهند؛ علم و فلسفه باید از کودکی آغاز شود. مسائل بسیار بدیهی‌ای وجود دارد که باید برای کودک روشن شود؛ چون اگر برای فهمیدن آنها تا بزرگسالی صبر کنند بسیار دیر است. این مسائل در حال حاضر بسیار مورد توجه قرار گرفته است و حتی انجمن‌هایی درباره فلسفه برای کودک در سطح جهان وجود دارد. فلسفه و محیط زیست نیز بحث بسیار مهمی است و الحمدلله در ایران مقالات خوبی در این باره داریم. نمی‌دانیم در بین کپکشان‌ها کجا مثل زمین است؛ کجا چنین معجزه بزرگ الهی‌ای رخ داده است که پیامبران الهی حکمای الهی در قالب بشر در این خاک در این گل به وجود بیایند. وقتی خداوند می‌خواهد خلق آدم را بیان کند می‌فرماید «فَلَاذًا سَوِيَّةً وَ تَفَخَّتْ فِیْهِ مَن رُّوحِی» تسویه؛ یعنی باید اعتدال عناصر هستی، به حد کمال باشد تا وجود انسان ممکن باشد. تا جایی که ما می‌دانیم؛ اما در این باره آگاهی نداریم که چه هست و در جایی دیگر چه خیر است. این اعتدال زمین در این پنجاه سال اخیر بهم خورد. واقعاً بشر این زمین را برای زیستن خود و موجودات زنده دیگر حفظ کرده است. الآن این پنجاه سال اخیر و این مسئله سیر قهقراپی شدیدی پیدا کرده است و روز به روز بدتر می‌شود. حضرت رسول حدیثی به عده‌ای فرمودند که اگر شما ببینید یک نفر یک کشتی را سوراخ می‌کند چه می‌کنید؟ گفتند جلوش را می‌گیریم. فرمود این امر به معروف است.



# رابطه دین و فلسفه در بیان آیت الله العظمی بزرگوار

## حضرت آیت الله مصباح یزدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ.  
اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى آيَاتِهِمْ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَ لِيَا  
وَ حَافِظًا وَ قَاعِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عِيْنًا حَتَّى تَسْكُنَهُ أَرْضُكَ طَوْعًا وَ تَمَنَعَهُ فِيهَا طَوْهَلًا.

تشریح شده است. این احکام واقعیت ثابتی دارد، چه ما آنها را بدانیم و چه ندانیم. اگر کسی این گزاره‌ها را درست بداند و بشناسد فقیه است؛ یعنی به این احکامی که خدای متعالی تشریح فرموده، عالم است. ولی گاهی می‌گوییم فقه عبارت است از علمی که برای ما احکام شرعی را اثبات می‌کند و این تلاش ویژه ای است؛ یک گزاره نیست. **صلاة الجمعة واجبة** یک گزاره است اما تلاشی که فقیه می‌کند برای این است که اثبات کند نماز جمعه واجب است؛ این تفقه است؛ هنر و صناعت است و مهارت خاصی به شمار می‌رود. معمولاً وقتی می‌گوییم علم یا حتی فلسفه، چنین معنایی را اراده می‌کنیم. حالا هر علمی حتی علوم پایه، طبیعات یا علوم انسانی؛ وقتی می‌گوییم علم، منظور تلاشی است که عالمان انجام می‌دهند. این تلاش‌ها همیشه آنها را به واقع نمی‌رساند؛ گاهی می‌رسند و گاهی نمی‌رسند. اما به هر حال تفقه است. به این خاطر مثال فقه را زدم بیشتر رویش مانور دهم. زمانی ما در اطراف همین مدرسه دو نفر از فقیهای بزرگ را داشتیم که موضوع درس هر دو شان **صلاة الجمعة** بود. مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی

تقدیم به روح ملکوتی امام راحل، علامه طباطبایی، و سایر اساتید و بزرگانی که ما را با حقایق دین آشنا کردند و همچنین تقدیم به روح شهیدای و الامام اسلام صلواتی اهدا می‌کنیم. پیش از شروع صحبت از همه عزیزان عزیزخواهی می‌کنم که آنچه در نظر دارم خدمتان بیان کنم برای نوآموزان حکم القیاس را دارد و اگر می‌شد تقاضا کنم بزرگانی که حضورشان باعث شرمندگی بنده می‌شود به کار خودشان مشغول شوند، برای من خیلی راحت‌تر بود. چه کنیم به هر حال هر کسی هر چه در توانش هست ارائه می‌دهد. موضوع این همایش همان گونه که ملاحظه می‌فرمایید رابطه فلسفه و دین است. بنده معمولاً در بحث‌هایم می‌گویم ابتدا واژه‌هایی که در تیتراژ عنوان اخذ شده است و حکم القیاس را دارد شرح دهم. حال باید بگویم که فلسفه و دین به چه معناست؟ شاید پرسش احتمالتی به نظر برسد. هر دوی این واژه‌ها بسیار روشن هستند. اما اجازه بفرمایید که بنده با توجه به کمبودهای علمی خودم، این سؤال را مطرح کنم. ما طلبه‌ها یا فقه آشنا هستیم؛ گاهی فقه را به معنای احکامی در نظر می‌گیریم که توسط خدای متعالی

رضوان الله تعالى عليه در سخن درس نماز جمعه و مرحوم تقی خوانساری هم در مدرسه فیضیه، درس **صلاة جمعة** می گفتند. نظر مرحوم خوانساری این بود که نماز جمعه واجب عینی است و مرحوم آقای بروجردی در اینکه اصلاً نماز جمعه از نماز ظهر مجزی باشد تردید داشتند و می گفتند اگر کسی نماز جمعه خواند باید احتیاطاً نماز ظهر را هم بخواند. البته این کلاس ها همزمان

نبود؛ اول درس آقای بروجردی در صحن و سپس درس آقای خوانساری در فیضیه برقرار می شد. این دو استاد فقه دو نظر مخالف داشتند؛ نه آن کسی که وجوب نماز جمعه را از فقه اثبات می کرد خارج بود و نه آن کسی که مجزی نمی دانست. شاید در

برخی جاهای دیگر کسانی هم بودند که اصلاً به ترک نماز جمعه تمایل داشتند. همه اینها فقه است؛ فقه همین تلاش عالمان برای به دست آوردن حکم شرعی است که گاهی آن را به دست می آورند و گاهی به آن دست نمی یابند. آن حقایقی که ما به دنبال کشف آن از راه دلایل عقلی هستیم، خود مطلبی است که جناب دکتر اعوانی به آن اشاره فرمودند که حکمت همان گزاره های واقعی است؛ آن که **فمن یؤتی الحکمة فقد اوتی خیراً کثیراً**، خواه مربوط به نظر باشد و خواه عمل. در سوره اسرا آمده است که **ذلک مما اناک الله؛ هاین حکمتی است که خدا به تو عطا فرموده**. این از احکام عملی است؛ اما آنچه فلسفه نامیده می شود مانند تفقه است. تلاشی است که فیلسوفان برای دست یافتن به آن حقایق انجام می دهند. گاهی به آنها نایل می شوند و گاهی نمی شوند. گاهی دو نظر کاملاً متفاوت دارند، اما هر دو فلسفه است؛ یعنی تلاشی است برای شناختن حقیقت، ولی همه تلاش ها حتماً به نتیجه منتهی نمی شود. دلیلش هم اختلافاتی است که وجود دارد، مگر در فقه ما اختلاف وجود ندارد؟ گاهی بین وجوب و حرام در یک مسئله اختلاف هست، ولی هر دو قفاحت به شمار می رود. فلسفه به این معنا یعنی تلاش برای شناخت حقیقت چه در زمینه نظر و چه در زمینه عمل؛ یعنی حکمت نظری و حکمت عملی. ولی این بدان معنا نیست که این مطلب درست است. حتی اگر دو نظر مخالف باشد مثلاً کسی قائل باشد به اینکه العیاذ بالله خدا نیست و یکی قائل باشد که خدا هست هر دو فلسفه است؛ یکی فلسفه الحادی و دیگری فلسفه الهی است؛ یعنی هر دو برای شناختن حقیقت تلاش کرده اند، اما یکی به حقیقت رسیده و یکی نرسیده است؛ اولی برهان است و دومی مغالطه را به جای برهان پذیرفته است؛ ولی به هر حال هر دو فلسفه است. منظور از فلسفه

این تلاش عالمانه و همان کاری است که عالمان و فیلسوفان انجام می دهند؛ این کاری که می کنند مشخصاًش چیست و چگونه باید تعریف شود. فیلسوفان تلاش عالمانه انجام می دهند، اما در مقابلش طبیب، متجرب و عالمان رشته های گوناگون علوم نیز کار می کنند. مشخصاً فیلسوف چیست؟ حقیقت این است که در این باره اصطلاحات بر شماری وجود دارد اگر بگوییم کلمه فلسفه

به این معنا مشترک لفظی است تعبیر بی جایی نکرده ایم. در کتاب های کلاسیک ما فلسفه به عنوان علم به حقایق انشای تعریف می شود و موضوع آن مطلق الوجود است. سپس می گویم حکمت به دو بخش کلی تقسیم می شود: حکمت عملی و حکمت نظری. حکمت نظری اساساً

## فلسفه تلاشی است که فیلسوفان برای دست یافتن به حقایق انجام می دهند.

سه بخش دارد: طبیعیات، ریاضیات و الهیات. اخلاق تدبیر منزل و سیاست نیز سه بخشی است که حکمت عملی را تشکیل می دهد. فلسفه به این معنا یعنی مجموعه علوم که قابل استدلال برهانی است. پس فلسفه علم جامعی است که این بخش ها را شامل می شود. اینها همه بچه ها یا اجزای فلسفه هستند. به همین معنا هم گفته می شود. این یک اصطلاح است. بنابراین فیزیکدان، شیمیدان، اقتصاددان، عالم اخلاقی، همه فیلسوف هستند، منتها این علوم طبق این اصطلاح یک بخشی از فلسفه به شمار می رود. در اصطلاح دیگر، فلسفه تنها به معنی فلسفه اولی یا متافیزیک است و بر اساس آن بخش های مزبور دیگر جزو فلسفه به حساب نمی آیند. اینکه اصطلاح از کی و چرا به وجود آمده داستانی دارد و هم بنده در این باره تخصص زیادی ندارم و هم لزومی ندارد که با تعریف آن وقت شما را بگیرم. اجمالاً در دو قرن اخیر گرایش حس گرایی در اروپا بسیار قوت گرفت و مکانیکی مثل پوزیتیویسم، ساینسیسم و امثال اینها به وجود آمد که به تجربه حسی اهمیت بسیاری می دادند. آنها گفتند علم باید به چیزی انلاق شود که با تجربه حسی قابل اثبات باشد و بتوان نتیجه اش را به دیگران نیز نشان داد. اما اگر این گونه نباشد این لیاقت را ندارد که نام علم به آن انلاق شود. نوعی معرفت و به اصطلاح knowledge است. برخی اصطلاح فلسفه را در برابر علم به کار بردند که باری منفی دارد؛ یعنی علمی ضعیف است و خیلی مورد اعتماد نیست. بسیاری از چیزها را که با تجربه حسی اثبات نمی شد، برای فلسفه گذاشتند. بحث از خدا، دین و حتی اخلاق را جزو فلسفه قرار دادند و علوم مربوطه به اجسام که قابل تجربه حسی اند را علم به شمار آوردند. پس اصطلاح کسانی که فلسفه را اعتباری و معتقد بودند موضوعی قابل اثبات است که باید درباره آن تحقیق شود به کار بردند فلسفه

اولی بود فلسفه اولی شد؛ یعنی بحث از موجود مطلق نه مطلق الوجود و بحث الهیات بالمعنی الأعم و بالمعنی الأخص را نیز در همان جا مطرح می‌کردند؛ این شد فلسفه اولی. برخی‌ها نیز تفکیک کردند و فلسفه اولی را همان الهیات بالمعنی الأعم نامیدند و الهیات بالمعنی الأخص را در یک شاخه خاص دیگر قرار دادند. پس یک اصطلاح دیگر هم، یعنی فلسفه اولی تقریباً مساوی با فلسفه است. آنچه امروز در محافل علمی دنیا لفظ فلسفه به آن اطلاق می‌شود، هیچ‌کدام از اینها نیست. آنچه از فلسفه که بیشتر درباره آن بحث می‌شود، مخصوصاً رابطه‌اش با عمل و نتایج عینی و کاربردی اینها، فلسفه‌های مضاف هستند؛ مثل فلسفه اخلاق، فلسفه سیاست، فلسفه دین، فلسفه علم، به این نکته هم باید توجه داشت که خود این هم دو اصطلاح دارد. همین فلسفه‌های مضاف هم گاهی موضوع خاصی دارند؛ مثلاً سیاست یا اخلاق، اینها با سبک بحث‌های فلسفی و تحلیلی و روش عقلی و تعقلی درباره موضوعاتشان بحث می‌کنند. حتی اگر روانشناسی که همان شناخت روح و ویژگی‌های آن است را به سبک فلسفی یعنی به سبک بحث تحلیلی عقلی بررسی کنند فلسفه روانشناسی نامیده می‌شود. اما اگر خود علم به عنوان سوژه ای موضوع بحث قرار گیرد، مثلاً علم فیزیک را مورد بحث قرار دهد که این علم چطور پیدا شد، انگیزه در آن چیست، چه تحولاتی پیدا کرد، چه کسانی در آن نقش داشتند، چه مکانی در آن وجود دارد و یا اینکه مبادی‌ای می‌تواند فضایی این علم را اثبات کند، این فلسفه علم فیزیک است. گاهی می‌گویم فلسفه تاریخ و گاهی فلسفه علم تاریخ. امروز این فلسفه‌ها آنقدر گسترش یافته است که حتی برای منطقی که روزی صحبت از این بود که آیا جزو فلسفه، ابزار فلسفه و یا خارج از آن است نیز فلسفه ایجاد شده است؛ فلسفه منطقی. آنچه امروز در محافل دانشگاهی دنیا مطرح است به جز محافل خودمانی، بیشتر فلسفه‌های مضاف است. این انتظار که فلسفه نتایج کاربردی ارائه بدهد، بیشتر از این نوع فلسفه‌ها است. البته فلسفه اولی نیز می‌تواند به طور غیرمستقیم در رفتارها تأثیر داشته باشد. این اصطلاحاتی بود که به یک بخش از موضوع این همایش، که فلسفه بود، مربوط می‌شود. باز هم عذرخواهی می‌کنم که این مطالب، القایی است برای نوآموزان فلسفه. دین یعنی چه؟ این پرسش که دیگر احفاله‌تر به نظر می‌رسد، ولی وقتی توجه کنیم می‌بینیم که دین هم کاربردهای پرشماری دارد هم از نظر معانی لغوی متعدد است و اینکه کسی بگوید دین در لغت مشترک لغتی است تعبیر غلطی نکرده است. ولی به اصطلاح معروفی که در محاورات به کار برده می‌شود دین به معنی یک آیین مقدس، مجموعه‌ای از رفتارها و دستورات و تجویزاتی که ارائه

می‌شود و باید این کارها بر اساس باورهایی که از نوعی قداست برخوردار است انجام شود. این تعریف معروفی است زیرا در جامعه‌شناسی امروز بیشتر به این صورت کانون توجه قرار می‌گیرد. اما کاربردهای بیشتر از این هم داریم، آیا در دین اعتقاد به خدا لازم است یا نه؟ در این زمینه دو نوع کاربرد وجود دارد. ما اصلاً نمی‌توانیم در عرف خودمان دینی تصور کنیم که در آن اعتقاد به خدا وجود نداشته باشد. ولی در کاربردهای عمومی به ویژه در فرهنگ غرب چنین چیزهایی هست. مثلاً اعتقاد به خدا در بودیسم مطرح نیست. در واقع یک سیر و سلوک رفتاری است که بر اثر آن انسان به مبروتان و آرامش مطلق می‌رسد و اصلاً هدفش نیز همین است. حال آیا این همان چیزی است که ما خدا می‌گوییم و بر آن تعقیب می‌کنیم؟ یا نه اعم از این است؟ به هر حال مسئله خدا به این گونه ای که در دین اسلام یا ادیان توحیدی مطرح است در بودیسم مطرح نیست. بالاتر از آن ما دین‌هایی داریم که معبودش انسان است. معروف است که آقای آگوست کنت پدر جامعه‌شناسی جدید، پس از اینکه دین را انکار کرد، یعنی گفت که دیگر دورانش گذشته است، دین انسان‌شناسی را ابداع کرد و خودش نیز پیغمبر آن شد. اصلاً در جاهایی از دنیا معبدهایی برای پرستش انسان ساختند. این هم یک نوع دین است؛ دینی که معبودش انسان است. پس دین می‌تواند کاربردی

داشته باشد که این موارد را نیز شامل شود. پس باید آن را به گونه ای تعریف کنیم که شامل این موارد هم باشد؛ باید بگوییم یک دین حقیقی داریم و یک دین باطنی و سپس درباره این بحث شود که عناصر اصلی دین چیست. چون در عرف رایج خودمان برای دین سه بخش قائل هستیم: اعتقادات، اخلاق و احکام. اما این پرسش

گزارش

حکمت اسلامی



مطرح می شود که آیا همه اینها در عرض هم عنصر اصلی دین هستند؟ در این صورت باید برای دین معنایی در نظر بگیریم که از معنای لغوی اش فراتر رود. معنای لغوی دین آیین است؛ آیین یعنی روش عملی و رفتاری؛ خوب یک اصطلاح جدید به وجود می آید و این مانعی ندارد، آیا این سه، عناصر اصلی دین هستند یا عنصر اصلی احکام است و آنها مقدمه اند؟ مثلاً وقتی ما می گویم درخت سبب به فلور معمول وقتی که آن را تصور می کنیم، تنه درخت است و شاخ و برگش؛ بعد می گویم این درخت ریشه هم دارد. اعتقادات، همان ریشه ای است که برای دین تصور می کنیم. عنصر اصلی دین ارزش های دینی و آن احکامی است که بر اساس آنها تشریح می شود یا برعکس، عنصر اصلی دین باورها است و اعتقادات است و آن ارزش ها از آن اعتقادات ناشی می شود. آنها به منزله میوه دین است، ولی همه اینها اصطلاح است جعل این اصطلاحات یا آگاهی از اینها هیچ مشکلی را حل نمی کند. وقتی می گویم دین باید این را هم بگیریم که منظورمان کدام معنای دین است؛ به کدام اصطلاح داریم بحث می کنیم. یا وقتی می گویم رابطه فلسفه با دین چیست، باید بیان کنیم منظورمان فلسفه به کدام معنا است؟ آیا منظورمان آن معنایی است که شامل همه علوم ریاضی، فیزیک، موسیقی و چیزهایی دیگر می شود و یا اینکه منظورمان چیز دیگری است. توجه به اینها در بحث های نظری می تواند بسیار مفید باشد. اگر کسی ادعا کند که پیش از نیمه از اختلافات صاحب نظران در علوم به ویژه علومی که از مفاهیم انتزاعی بحث می کنند، از مغالطات در اشتراک لفظی سرچشمه می گیرد ادعای کزافی نکرده است. اگر کسانی دوست داشته باشند این را موضوع رساله قرار دهند و تحقیق کنند فکر می کنم بر جا نباشد. یعنی کسی چیزی را به یک معنا اثبات می کند و دیگری آن را به یک معنای دیگری نفی می کند؛ در حقیقت اختلاف اساسی وجود ندارد. آن شخص توجه ندارد که شخص

دیگر به یک معنای دیگر آن را اثبات کرده است و او که نفی می کند به یک معنای دیگری نفی می کند بنده می خواهم عرض کنم، حال که از آنها خارج شدیم کمی به متن بحث نزدیک شویم. تا آنجایی که ما از تاریخ دین و فلسفه در اسلام اطلاع داریم، و

باید این دو جمع نمی شوند و باید یکی را اختیار کنید، یا بنگذار باشید و یا فیلسوف. در تاریخ آمده است که فقیهانی بودند که فیلسوفان را تکفیر می کردند فیلسوفانی بودند که نسبت به فقها نظر منفی داشتند. در این زمان نیز چنین کسانی هستند. مسئله چیست؟ عقیده بنده این است که سرچشمه بیشتر این اختلافات به مغالطات در اشتراک لفظی باز می گردد. اگر ما فلسفه را درست تعریف کنیم مثلاً بگیریم فلسفه به آن معنا که جامع همه علوم است، روشن است و محل بحث نیست. ما فعلاً نمی خواهیم بگیریم اصلاً این اصطلاح مطرود شده است که بگویند فلسفه یعنی مجموعه همه علوم یا مجموعه ای از علوم و فکر نمی کنیم دیگر هیچ جا این اصطلاح رایج باشد. منظور از فلسفه معمولاً فلسفه اولی و الهیات و یا فلسفه های مضاف است. فلسفه های مضاف امروز رایج است و مستقیماً ارتباط مستقیمی هم با مسائل دینی ندارد. به ویژه اگر فلسفه علم را در نظر بگیریم. آنچه محل بحث است این است که بحث هایی که در فلسفه اولی و بخش الهیات فلسفه مطرح می شود و در کتاب های فلسفه ما هم عمدتاً همین است. آیا با دین سازگار است یا خیر. اگر سازگار است آیا نیازی به اینها هست یا تناقضی ندارند اما نیازی هم به آن نیست. وقتی می توانیم به این پرسش جواب روشنی بدهیم که تعریف روشنی از این فلسفه داشته باشیم، چه کسی می تواند بگوید فلسفه به ویژه الهیات فلسفی یعنی بحث از خداشناسی با دین مخالفت دارد؟ می گویند کسانی هستند که در فلسفه به آرای معتقد شدند که با کتاب و سنت سازگار نیست. عرض می کنم مگر در فقه کسانی نیستند که به آرای معتقد شدند که با احکام حقیقی اسلام نمی سازد؟ خود اختلاف در یک مسئله، به این معناست که یکی از نظرات خلاف واقع است؛ مثلاً یا نماز جمعه واجب عینی هست یا نیست. اینکه نظر بدی در این زمینه دادند باعث خروج از فقه است شده یا فقهات ارزش خودش را از دست داده؟ حال ما هم نمی دانیم کدام درست است و کدام اشتباه.

فرضاً من هم یقین پیدا کردم که یکی از اینها درست و یکی غلط است، باز هم نمی توانم فقهات را نکوهش کنم. بالأخره در کارهای نظری انسان اشتباه هم واقع می شود. کجا است که انسان وارد مرحله ای که امکان اشتباه در آن

**دین به معنی یک آیین مقدس، مجموعه ای از رفتارها و دستورات و تجویزاتی که ارائه می شود و باید این کارها بر اساس باورهایی که از نوعی قداست برخوردار است انجام شود.**

است بشود و اشتباه نکند. فرض کنیم فیلسوفی درباره الهیات بحث کرده و به چیزی خلاف آنچه که به وسیله قرآن اثبات شده است اعتقاد پیدا کرده است؛ خوب شما هم بحث کنید و اثبات کنید که آن درست نیست؛ هم او تفلسف کرده است و هم شما. سخنی از

کسانی که درباره سایر ادیان بیشتر اطلاعات دارند می دهند. کسانی بودند که بین دو مسئله دین و فلسفه شدیداً تباین قابل بودند؛ دین مدارتی بودند که فلسفه را با جدیت نفی می کردند و فیلسوفانی بودند که با دین میانه خوبی نداشتند و بالأخره کسانی می گفتند

می‌کنیم مثل همین فرمایش امیرالمؤمنین. خود این بیان شاهد بر این است که نمی‌توان برای خدا صفاتی زائد بر ذات اثبات کرد، وگرنه لازماتش نوعی شرک است؛ این یک نوع بحث است و نوع دیگر اینکه نمی‌توانیم آن را با براهینی که در این زمینه هست و حکما هم به آن پرداخته‌اند از راه براهین عقلی خالص اثبات کنیم. این دو بحث چه تفاوتی با هم دارد؟ فرق این دو بحث در مند است. مسئله یکی است؛ موضوع و محمول هم یکی است. اما گاهی آن را با مند عقلی و گاهی با مند نقلی اثبات می‌کنیم. این دو مند متفاوت، دو علم را به وجود می‌آورد؛ مند نقلی را علم کلام و فلسفه می‌نامیم. پس قوام بحث فلسفی به مند آن است. به جز موضوعی که طبق اصطلاح باید برای فلسفه تعیین کنیم و بگوییم موضوع فلسفه احکام کلی وجود است، باید این را هم بگوییم که آنچه مقوم فلسفی بودن یک بحث است مند تحقیقی است. اگر قضیه و گزاره‌ای را با روش نقلی اثبات کنیم، این طبیعتاً یک بحث فلسفی است؛ مثلاً اینکه فلسفه خوب یا بد، واجب یا حرام، حق یا باطل است طبیعت این بحث فلسفه‌پذیری است. بنابراین وقتی خدا را با دلیل عقلی اثبات می‌کنیم، این چه بحثی خواهد بود؟ این بحث خواه ناخواه یک بحث فلسفی است و نمی‌توان هیچ اسم دیگری روی آن گذاشت. ما یک گزاره‌ای را اثبات کردیم که هم در موضوع فلسفه واقع می‌شود و هم مندش نقلی است. ولی همین قضیه را نمی‌توان با مند دیگری اثبات کرد. اما صفات خدا و افعال او یا منتهای نقلی، تعدی اثبات شدنی است؛ ولی آن دیگر بحث فلسفی نیست. طبیعت بحث فلسفی این است که موضوعش باید در تعریف اخذ شود، مثلاً احکام کلی وجود، حال کلی وجود یعنی چه؟ آقایان همه آشنا هستند که تکلفاتی در این زمینه انجام گرفته که ما می‌گوییم همه بحث‌های فلسفی مساوی با موجود باشد؛ در مقدمه اسفار نیز ملاحظه فرمودید. به هر حال به آن جهاتش کاری ندارم. اجمالاً موضوعی را تا یک حدی برای فلسفه تعیین می‌کنیم. که تا اینجا بحث موضوع فلسفه است. غیر از این اثبات این موضوع با مند عقلی می‌شود فلسفه. اگر مند دیگری بود فرض کنید بعضی جاها با مند تاریخی یا مند نقلی قابل اثبات بود از نظر متدولوژی یک نوع مند تاریخی است چون نقل فلسفی تاریخی است زیرا در یک زمان خاصی واقع شده است، گوینده‌های دارد و روش خاصی به شمار می‌رود؛ این دیگر یک بحث فلسفی نیست. حالا بحث کردن درباره موضوعی که در کلی موضوع فلسفه واقع می‌شود با مند عقلی چه نتیجه‌اش مثبت باشد و چه منفی، فلسفی است. خدا هست یا نیست؟ اگر با مند عقلی این بحث را اثبات کنید، چه بگویید خدا هست و چه بگویید نیست، هر دو بحث فلسفی است. آیا کسی که از فلسفه طرفداری می‌کند، به خاطر اینکه هر دو قضیه فلسفی است می‌گوید که هر دوی اینها

ارسطو نقل شده است مبنی بر اینکه اگر می‌بایست فلسفیدن که بایست فلسفیدن، اگر نبایست که فلسفیدن هم که بایست فلسفیدن؛ یعنی اگر می‌گویید که فلسفه غلط است باید اثبات کنید. شما اگر می‌گویید فلان فیلسوف اعتقاد غلطی دارد، باید بحث کنید و این مطلب را اثبات کنید. ما باید در فلسفه معتقد باشیم که برخی مسائل را از چند طریق قابل اثبات است و درباره برخی مسائل که به نظرمان اشتباه است بگوییم از آن راه که اثبات کردند به نتیجه نرسیدند و غلط بوده است، از این راه که اثبات کنیم درست است. حالا مسائل کلامی و الهیات بالمعنی الأخصمان اینطور است. فرض کنید معاد جسمانی، درست است یا نیست؟ کسانی که بر اساس ظواهر قرآن بحث می‌کنند می‌گویند معاد جسمانی ثابت و از ضروریات اسلام است. کسانی مثل ابن سینا از راه فلسفه وارد شدند و گفتند نمی‌توانیم معاد جسمانی را از راه عقل اثبات کنیم، ایشان می‌گویند معاد جسمانی را به خاطر دلیل قطعی شرعی اثبات می‌کنیم ولی نمی‌توانیم از راه عقل آن را اثبات کنیم. شاید کسانی

باشند که این مسئله را نفی کنند و بگویند معاد جسمانی اصلاً امکان ندارد. خوب کسانی که مخالف فلسفه اند

**طبیعت بحث فلسفی به همان تعقلی بودن آن است. حال چه در زمینه مسائل نظری باشد. چه در مسائل نظری علمی**

می‌گویند اگر از راه فلسفه برویم باید منکر معاد جسمانی شویم. اولاً این ملازمه‌ای ندارد؛ ممکن است دلایلی که تا به حال قیامه کردند نادرست باشد. شما تلاش کنید دلیل درستی بیابید. مرحوم ملاصدرا در این صدد برآمد که با برهان عقلی مسئله معاد جسمانی را اثبات کند. حال موفق شد یا نشد کاری نداریم، اما در پی این کار بود تا به وسیله مقدماتی از حرکت جوهری تا آخر معاد جسمانی را اثبات کند. حال نباید بگوییم که این راه مسدود است؛ تا به حال عقل ما نرسیده و فیلسوفان نتوانسته‌اند آن را اثبات کنند. خوب شما آن را اثبات کنید؛ مگر علم به پایان رسیده است؟ بهتر این است که ما ابتدا از فلسفه تعریفی روشن ارائه کنیم و برای خودمان مشخص کنیم که قوام بحث فلسفی به چیست. مسلماً بحث فلسفی اثبات قضایا به وسیله دلایل تعدی نیست. اثبات مسائل چون صفات خدا و اینکه آیا صفات خدا عین ذات هستند یا خارج از ذات، بحثی است که از صدر اسلام مطرح بوده است. وقتی امیرالمؤمنین در نهج البلاغه می‌فرماید و کمال الإخلاص له نفسی الصفات عنه ناظر به همین مطلب است؛ یعنی صفات امور عینی است زائد بر ذات نیستند. گاهی این مسئله را با دلیل نقلی اثبات

درست است؟ نه معتقد است یکی از اینها درست است، کدام درست است؟ حال گاهی برهان دارم و فرض من این است که با برهان رسیده‌ام و می‌فهمم که کدام درست است. اما یک کسی به این نتیجه نرسیده است، او فلسفیده است، تفلسف کرده است ولی به نتیجه نرسیده است؛ مثلاً تفقه کرده و فتاوی غلط، و خلاف واقع داده است. در این صورت حکم مظهاری اثبات می‌شود؛ حال اینکه منجز یا معذر است و یا نیست حرف دیگری است. به هر حال این کار نفقه است. فقه را نمی‌توان به خاطر اینکه فتوای مخالف با واقع داده است مذمت کرد. بحث عقلی کردن کار بسیار ارزنده‌ای است و جزو میزات انسان است. اگر نگوییم عالی‌ترین آنهاست. این را نمی‌شود پایش را سدود کرد. البته باید کوشید اشتباهات کمتر شود. کسانی می‌توانند این تلاش را کنند که بیشتر اهل دقت باشند، نه اینکه فرار کنند. کسانی می‌توانند اشتباهات فیلسوفان گذشته را حل کنند که خودشان تعمق بیشتری در فلسفه داشته باشند، وگرنه اینکه چون بعضی اشتباه است از آن فرار کنیم چه مشکلی حل می‌شود؟ علاوه بر اینکه با فرار ما آیا دنیا هم فرار می‌کند؟ بحث‌هایی که امروز چه در اعتقادات و چه در باورهای دینی مطرح است، اساس زندگی ما و جزو ارزش‌ها است. باید بگوییم اساس رفتار انسانی را ارزش‌ها تشکیل می‌دهد و این به فلسفه اخلاق مربوط می‌شود؛ این مسئله امروز در دنیا متشوش و بی‌پایه و پوسیده شده، ریشه‌اش را از دست داده و سخت نیازمند ریشه‌ای محکم است که از نو به این علم داده شود او بر اساس ارزش‌ها تثبیت شود. اگر ما از آن فرار کنیم، آنها بحث می‌کنند و آخوش به اینجا می‌رسند که اساس ارزش‌ها یک نوع قرارداد یا انراکات و احساسات خاصی است. این اساس کل ارزش‌ها و کل ایمان را به یاد می‌دهد. خوب اگر ما بگوییم بحث فلسفی ممنوع است، پاسخ این اشکالات را چگونه بدهیم؟ شما می‌فرمایید چون قرآن داریم احتیاجی به بحث فلسفی نداریم **علی رأس و العین** اما آیا وظیفه داریم به شبهات دیگران پاسخ بدهیم یا نه؟ ما به خدا معتقدیم البته اعتقاد اجمالی داشته باشیم به اینکه **کل ما أنزل الله** صحیح است. به چیزهای دیگر و حتی علم کلام هم چندان احتیاجی نیست. می‌گوییم **أمنت بما أنزل الله** کلمه تفسیرش را هم ندانم. شاید مشکل چندانی ایجاد نکند حتی در معاد جسمانی بگوییم **أمنت بما أنزل الله** **إن جسمانیة جسمانی و إن روحانیة روحانی**. اشکالی دارد؟ چیزی که مهم است پاسخ دادن به شبهات است. ترویج دین فقط به بحث اثباتی‌اش نیست. خود قرآن بیشتر برای اثبات توحید دلیل آورده است یا نفی شرک؟ تلاش‌های انبیا بیشتر برای نفی شرک بوده یا برای دعوت به پرستش خدا؟ آنقدر مسئله پرستش خدا واضح بوده است که بعضی از بزرگان همچون علامه مطاطیایی فرمودند که اصلاً قرآن در مقام اثبات توحید نیست. چیزی که مهم

است نفی شرک و پاسخ دادن به شبهات مشرکین است. ما امروز می‌خواهیم اسلام و تشیع را در عالم ترویج کنیم و این تنها کافی نیست که بگوییم اعتقادات ما، قرآن و حدیث اینطور می‌گوید قرآن و حدیث پس از اینکه ما نبوت و اینها را پذیرفتیم برای ما حجت است؛ اما اگر به کسی که اصل خدا و پیغمبر را

قبول ندارد بگوییم در قرآن چنین آمده است. می‌گوید این به درد خودتان می‌خورد، پاسخ شیعه مرا بدهید آن شیعه را جز از راه عقل می‌شود جواب داد؟ بحث وقتی تعقلی شد. می‌شود فلسفی. طبیعت بحث فلسفی به همان تعقلی بودن آن است. حال چه در زمینه مسائل نظری باشد چه در مسائل نظری عملی. به نظرم وقت بنده به اتمام رسیده است و آقایان باید آماده باشند که از فرمایشات حضرت آیت‌الله العظمی جوادی استفاده کامل را ببرند. اگر بنده هم توفیق داشته باشم از فرمایشاتشان بهره می‌برم وگرنه این شاهانه از توارش استفاده خواهم کرد. همه شما را به خدا می‌سپاریم از پرگویی و گفتن حرف‌های خفلی ساده و پیش‌پا افتاده عذرخواهی می‌کنم.



جایگاه فلسفه در اسلام و سبب‌های علمی



دست برکات

# حضرت آیت‌الله جوادی

گزارش

مقدم شما اساتید و بزرگان حکمت اسلامی را ارج می‌نهم. از بیان گزاران گران قدر این محفل بانگوه مشکریب همه شما تاکنون بهره‌هایی که از صاحبان مقال یا مقالات به ویژه از بیانات حکیمانه حضرت آیت الله مصباح که امید است به برکت قرآن و عترت، این چراغ همیشه فروزان باشد، بهره بردید و استفاده کردید.

دین و فلسفه، محور بحث این همایش بود و هست.

### ارتباط دین و فلسفه

مستحضرید که دین یک جهان‌بینی خاص و فلسفه یک جهان‌بینی آزاد است. فلسفه در بدو پیدایش، به اصطلاح سکولار است؛ نه الهی است و نه الهادی فلسفه لایشرطاً به دنیا می‌آید، اما همه علوم دیگر با الهادی به دنیا می‌آیند یا الهی. هیچ علم دیگری در جهان سکولار و بی‌تفاوت نیست، با ملحدهانه متولد می‌شود یا موجدانه.

تنها علمی که لایشرطاً متولد می‌شود، حدوداً سکولار است و بقاً با الهی و با الهادی است؛ فلسفه است؛ زیرا تکیه‌گاه تمام علوم موضوعات، مبادی و مناهمی است که توسط فلسفه اثبات می‌شود؛ بسیاری از مبادی و مناهج علوم را فلسفه تأمین می‌کند و

این علوم در مبادی و اسناد فلسفه‌اند. قانون علیت که هیچ علمی بدون آن سامان نمی‌پذیرد را فلسفه تولی دارد. همه علوم در دامن علیت و معلولیت فعالیت می‌کنند اگر این قانون برداشته شود راه فکر هم بسته می‌شود؛ زیرا مقدمین علت نتیجه هستند و اگر ما این علیت را برداریم، راه اندیشه هم بسته است. نه تنها راه اثبات و راه نفی، بلکه راه شک هم بسته است. چون یک‌وقت کسی می‌گوید من نمی‌فهمم، او حرفی برای گفتن ندارد. یک وقت کسی می‌گوید من در این مسئله شک دارم. چون شک دارد باید برای شک خود دلیل ارائه کند؛ چون این یک ادعا است و اگر بخواهد دلیل اقامه کند و استدلال کند، مقدمین است و نتیجه می‌شود علت آن نتیجه. اگر قانون علیت را کسی نپذیرفت، حتی اجازه شک کردن هم ندارد. فقط باید ساکت باشد. قانون علیت از مسائل کلیدی فلسفه است. قانون علیت در هیچ علمی جا ندارد اینکه آیا علیت به جایی منتهی می‌شود یا نه را باید فلسفه بیان کند؛ اینکه آیا علیت به علت‌العلل ختم می‌شود یا نه را باید فلسفه بیان کند. اگر فلسفه کج‌راشه رفت و الهادی شد، مبدأ و معاد را منکر شد، علیت را در حوزه علل قابل، مادی و صوری خلاصه کرد، جهان نه آغازی دارد و نه انجامی، نه خدایی دارد و نه معاد. در این

حکمت اسلامی

کافراً و ملحداناً به دنیا می‌آید؛ اگر زمین‌شناسی یا زمان‌شناسی است و اگر دریاشناسی یا کیهان‌شناسی است، فقط و فقط الحادی است؛ سکولار نیست، زیرا دربارهٔ شمس و قمری بحث می‌کند که خود ساخته است، دربارهٔ یز و بحری حرف می‌زند که خود ساخته است، سکولار نیست. ولو اینکه حرفی از الحاد هم نمی‌زند، ولی این علم الحادی است. و اگر فلسفه و جهان‌بینی راه صحیحش را طی کرده است، نه بیراهه رفته است و نه راه کسی را بسته است، قانون علیت و معلولیت را طرزوی تبیین کرده و نه تعلیل که خدا ثابت شد کما هو الحق، معاد ثابت شد کما هو الحق، بین مبدأ و معاد صراط ثابت شد کما هو الحق، راهنمای صراط که انبیاء و اولیاء و ائمه هستند ثابت شدند کما هو الحق.

### اهمیت علوم الهی:

این علم سایه‌افکن همهٔ علوم است. ما هیچ علمی در عالم نداریم مگر اینکه این علم، اسلامی و الهی است. زیرا آن زمین‌شناس دربارهٔ خلقت سخن می‌گوید نه طبیعت، مسئلهٔ طبیعت که تاکنون مصادره شده بود رخت برمی‌بندد و خلقت سرچایش می‌نشیند. خلقت‌شناسی فقط و فقط الهی است؛ یعنی وقتی درون یک زمین‌شناس را تحلیل می‌کنید، لحظه به لحظه چنین فتوا می‌دهد که خدا چنین کرد و خدا چنان کرد. کیهان‌شناس قدم به قدم چنین فتوا می‌دهد که این منظومه‌های شمسی را خدا چنین کرد و خدا چنین کرد و خدا چنین کرد. هو الذی فی السماء إله و فی الأرض إله (سوره زحرفه، آیه ۸۴). ما علم سکولار نداریم. عالم ممکن است سکولار و بی‌تفاوت باشد، اما دانش یا الهی است یا الحادی. اینکه خلقت را غارت کردند و به صورت طبیعت در آوردند و گفتند علوم طبیعی، مسئلهٔ سکولار و بی‌تفاوتی از اینجا پدید آمد. بده وقتی طبیعت داشته باشیم نه خلقت، این طبیعت کاری ندارد که چه کسی او را آفرید. بنابراین اگر فلسفه رئیس علوم است، به این دلیل است که موضوعات علوم را یک، میانی علوم را دو، میادی بسیاری از علوم را سه، تأمین می‌کند؛ آنها وامدار فلسفه هستند، بنابراین فلسفه می‌شود رئیس علوم و آن فیلسوف می‌شود شیخ رئیس که اگر عربی نوشته شد می‌شود شیخ رئیس، این می‌شود

رئیس چون فلسفه رئیس العلوم است. همهٔ علوم را او اسلامی و مسلمان کرده است.

### تأثیر فلسفه اسلامی بر

#### سایر علوم

تأثیر فلسفه اسلامی این است که بهترین و رستابین مبلغ علمی در جهان است. یک‌وقت است واعظی چند نفر را مسلمان

می‌کند، اما یک‌وقت علمی همهٔ علوم دنیا را مسلمان می‌کند؛ فلسفه یعنی این، یک‌وقتی یک کسی در ماه مبارک رمضان بالای منبر از مرحوم صدرالمتألهین با عظمت و جلال یاد نکرد، خدا او را هم بیمارزد. مرحوم حاج آقا مصطفی نقل می‌کرد که پدرم امام، آن روز نمی‌گفتند امام می‌گفتند حاج آقا، پیش از انقلاب بود، وقتی درس خارج‌شان به پایان رسید آن وقت ما هنوز قم نیامده بودیم، قبل از سال ۳۴ بود، امام در پایان درس فرمود حرمت بزرگان را حفظ کنید و ما ادبک ما العلامدار برای اینکه اینها متوالی علم هستند که این علم علوم را اسلامی می‌کند. شما اگر روی منبر می‌روید چهار تا مسلمان درست می‌کنید، فلسفه چهار تا دانش را نه، چهار هزار دانش را نه، چهل میلیون دانش را اسلامی می‌کند؛ فلسفه چنین صفتی دارد. ما علم سکولار نداریم. آنچه علوم را اسلامی می‌کند فلسفه است.

چرا می‌گوید مابعد الطبیعه؟ ما طبیعیات نداریم. ما خلقت‌شناسی داریم. یک وقت است که انسان اشیا را از منظر آیت بودن می‌نگرد، آن می‌شود علم کلام؛ این دیگر زمین‌شناسی و زمان‌شناسی و دریاشناسی و محارث‌شناسی نیست. یک وقت بدن، معلوم را بررسی می‌کند می‌گوید من دارم خلقت را می‌شناسم، مخلوق را می‌شناسم، نه اینکه از مخلوق بی به خالق بروم که از منظر آیت باشد؛ این حرف را بعد از امام، خیلی‌ها گفتند منظور این نیست که ما اشیا را از منظر اینکه آیات الهی هستند نگاه کنیم تا بی به خدا ببریم؛ این می‌شود منظر علم کلام. خبر ما مخلوق را می‌شناسیم. الآن ما که در قم تفسیر بحث می‌کنیم، به چه مناسبت تفسیر علم اسلامی است؟ چون قدم به قدم می‌گوییم خدا چنین گفت و خدا چنان گفته، آن کسی هم که در دانشگاه دارد زمین‌شناسی بحث می‌کند قدم به قدم می‌گوید خدا چنین کرد و خدا چنان کرد. بعد ما می‌شویم اسلامی و او می‌شود غیر اسلامی؟ بنابراین علمی به نام طبیعیات نداریم. هرچه داریم خلقت‌شناسی است. علوم چهار روش دارد و فلسفه اسلامی هر چهار روش را هم ثابت کرده است. منتها برخی صعب العبور هستند، برخی مستصعب است و برخی آسان. چه روش تجربی، چه روش نیمه تجربی در ریاضیات، چه روش تجربی در فلسفه و کلام و چه روش شهودی

در عرفان، فلسفه اسلامی هر چهار راه معرفت‌شناسی را ثابت کرده، منتها برخی از اینها را براساس و بشرها هم دفاتن العول (تهیج البلاغه، خطبه ۱، دین به فلسفه داد. دین به فلسفه گفت که تو شنبه‌دای که من فقد حساً فقد فقد علماً) (مجمع بین الرای

**فلسفه ریاست الهی، دینی  
و اسلامی کردن همه علوم  
را بر عهده دارد.**

الحکمین، ص ۹۹ به نقل از (رسطو در کتاب البرهان)؟ هم‌اکنون پشتو من فقد نفوی فقد فقد علماً. تا دیروز ما شنیده بودیم و حق هم بود امروز همان را می‌پذیریم، این را هم می‌پذیریم که (من فقد حساً فقد فقد علماً). اگر کسی حس را از دست داد پاره‌های حاصل از آن حس را از دست می‌دهد. کسی که ناشنوا است از موسیقی و آهنگ و امثال آن طرخی نمی‌بندد. اما تشنیده بودیم من فقد نفوی فقد فقد علماً. این را از دین می‌شنویم. تو گفتی انوالله و بعلکم الله (سوره بقره، آیه ۲۸۲). تو آوردی ان تلقوا الله جعل لکم فرغاناً (سوره انفال، آیه ۳۹). بله ما فهمیدیم اگر کسی تقوایی را از دست داد، برکات علمی حاصل از آن تقوا را از دست می‌دهد؛ برای اینکه در فرهنگ توی دین، انسان بی‌تقوا کور است. منتها تو آمدی یک حرف جدید آوردی یک، آن حرف قدیم را توسعه دادی؛ دو، ما از آن فهمیدیم من فقد حساً ظاهراً فقد فقد علماً ظاهراً ومن فقد حساً باطناً فقد فقد علماً باطناً. آن را هم فهمیدیم چون چشم درونی را تو به ما گفتی. گفتی من کان فی هذه اعمى فهو فی الآخرة اعمى و اضل سبلاً (سوره اسراء، آیه ۷۲). خیلی‌ها هستند که کور محسوس می‌شوند و در قیامت هم احتجاج می‌کنند؛ چون قیامت ظرف احتجاج است. به خدا عرض می‌کند که رب لم حشرتی اعمی (سوره طه، آیه ۱۲۵). آن روز که روز ظهور حق است خدا هم در جوابش که لا حجة لالیلة پاسخ می‌دهد که من تو را کور محسوس نکردم؛ همان‌گونه که در دنیا بودی به اینجا آمدی. در دنیا مسجد، حوزه‌های علمی و مراکز فرهنگی و مذهبی بود آنها را ندیدی و مراکز فساد را دیدی. اینجا هم بهشت و آتیا و اولیا را نمی‌بینی و جهنم را می‌بینی. تو که هذه جهنم التی (سوره، آیه) را می‌بینی. افسر هذا امر اتهم لانهرون (سوره طه، آیه ۱۵) را می‌بینی. خودت هم می‌گویی ربنا اصرنا بسعنا (سوره سجده، آیه ۱۲) می‌بینی. کجا را نمی‌بینی؟ ما تو را کور محسوس نکردیم بلکه اگر بخواهی پیغمبر را ببینی، اهل بیت را ببینی، بهشت را ببینی، نمی‌بینی؛ در دنیا هم دیدی. حب این حرف تازه را دین از باب و بشرها هم دفاتر العلول (نهیح البلاغه، خلیفه ۱) به فلسفه داد این دقتها را دین گشود و شکوفا کرد؛ فیلسوف را آگاه کرد و گفت آنچه که

شنیداید من فقد حساً فقد فقد علماً؛ (مجمع بین الرای الحکمین، ص ۹۹). حس دو قسم است: حس ظاهر و حس باطن. اما من می‌گویم من فقد نفوی فقد فقد علماً. این امر جدیدی است.

### خطر بیراهه رفتن در کمین فرزائگان

در بسیاری از موارد انسان هوشمند چون پرهیزگار نیست، به بیراهه می‌رود و این به علم عرفانی اختصاص ندارد و در علوم تجریب و نیمه‌تجریب هم همین‌گونه است. در الهیات، فلسفه و شهود هم همین‌طور است؛ البته در عرفان قدری بیشتر است. این راهی است که چه دین که جهان‌بینی خاصه است و چه فلسفه الهی که جهان‌بینی مخصوص است و با هم هماهنگ هستند فلسفه ریاست را در الهی، دینی و اسلامی کردن همه علوم به عهده دارد شما اگر بخواهید دانشگاه را مسلمان کنید تنها راهش اسلامی کردن علوم آن است. پرور دادن دانشجوی مسلمان لازم است ولی کار مسجد مصلی و امثال اینها است. حرف اول دانشگاه را دانش می‌زند و دانش را فلسفه، اسلامی می‌کند.

### تفکر ابراهیمی در تربیت‌یافتگان مکتب فلسفه

باید این مسئله را کاملاً فهمید و کاملاً از آن دفاع و جانبداری کرد و سرانگش رفت. برای اینکه ما علم را اسلامی و به دنبال آن علما و دانشمندان را مسلمان کنیم، وقتی دانشمندان مسلمان شدند جامعه مسلمان خواهد شد؛ برای اینکه جامعه پیرو دانشمندان خود هستند. بزرگان دین ما کوشیدند و اولین کار را خود اشیا کردند. حال ما از خاور دور و باختر دور خبری نداریم؛ چون تاریخ مدونی در دست ما نیست. اما تاریخ مدون خاورمیانه را که می‌دانیم. جناب ارسطو، سقراط و بقراط اینها همه، شاگردان حضرت ابراهیم بودند. معنای شاگردی ارسطو و افلاطون نسبت به حضرت ابراهیم این نیست که یک کتابی زیر بغل بگیرد هر روز بیاید خدمت حضرت ابراهیم، اینها یا ملحد بودند یا مشرک. در خاورمیانه یا شرک بود، وثنیت و تنوید بود یا اتحاد و توحید وجود نداشت. وجود مبارک حضرت ابراهیم آمد آن برهان را قلمه کرد، نصیحت کرد، موعظه کرد ادع الی سبیل ربک بالحکمة والموعظة العتة وجاهلهم بالی می احسن (سوره نعل، آیه ۱۲)



اثر نکرد؛ تیر گرفت و وارد بتکده شد و جملهم جذاذاً إلا کبراً لهم (سوره انبیا، آیه ۵۸) این کار را کرد و آن تهدید یا حرفه و امر و اهلنکم (سوره انبیا، آیه ۱۸) را هم تحمل کرد، درون آن امواج آتش رفت و آتش گلستان شد به برکت او خاورمیانه فهمید که خبر جدیدی است. چند هزار سال پیش اگر یک حادثه‌ای یک گوشه خاورمیانه رخ می‌داد به این آسانی به مناطق دوردست نمی‌رسید؛ ولی مسئله آتش‌سوزی و تبدیل آتش به گلستان خبری نبود که سریع همه جا را پر نکند. یونان هم در قسمت شمال‌غربی آن بخش‌ها بود. این منطقه در شمال‌غربی مصر قرار دارد. خیلی هم دور نبود. گفتند دست به تیر برد و بتها را شکست. در آتش رفت و آتش را گلستان کرد؟ این کیست؟ فکر ابراهیمی خاورمیانه را گرفت. افلاطون و ارسطو تربیت شدند به این فکر افتادند. اگر جناب مولوی می‌گوید:

گر نبودی کوشش احمد تو هم

می‌پرستیدی چون اجذات صنم  
(مثنوی معنوی، دفتر دوم، بیت ۳۳۶)

منظورش همین است. اینکه مرحوم علامه این کار را می‌کرد ما هم این کار را می‌کنیم و در دیوار این حرم را می‌بوسیم به چه دلیل است؟ برای اینکه اینها ما را آدم کردند. اگر اینها نبودند ما هم مثل اجذاتمان در قبر بودیم؛ غیر این نبود که:

گر نبودی کوشش احمد تو هم

می‌پرستیدی چون اجذات صنم  
که بود که حالا بفهمد در جهان خدایی هست و قیامت هست

و بهشت و جهنمی است؟ اینها را احمد و علی آوردند. در خاورمیانه هم همین‌طور بود. شما قدری از افلاطون و ارسطو جلوتر بروید می‌بینید که سخن از ولن و صنم بود. اینها را انبیا آدم کردند.

ارتباط حکمت نظری و حکمت عملی

پس اگر فلسفه در خاورمیانه رواج

یافت به برکت دین است. ابراهیم گفت من اقل را دوست ندارم، ملکوتی هست. اینها گفتند ملکوت چیست؟ اقل را دوست ندارم چیست؟ گفت همان که گاهی غروب می‌کند و گاهی طلوع می‌کند و رابطه تو با او قطع است. او وقتی غروب کرد چه استفاده‌ای از او می‌بری؟ لا أحب الاممین (سوره انعام، آیه ۷۶). و آن چنان حکمت نظر و حکمت عمل را به هم دوخت که تنها از زبان قرآن این حرف‌ها شنیدنی است. شما بروید از اول تا آخر این کتاب‌های فلسفی را ببیند؛ هیچ‌جا یعنی هیچ‌جا و در هیچ معنایی از مطالب

فلسفی من دوست دارم و من دوست ندارم چا ندارد آن وقت در حکمت نظری کسی خریدار من به این علاقه دارم من به او علاقه ندارم نیست. کسی می‌تواند در طبیعت و ریاضیات بگوید من این مطلب را دوست دارم، این مطلب را دوست ندارم؟ دوست داشتن و ندانستن مال اخلاق و حقوق است؛ مال حکمت عملی است. شما در جهان‌بینی و الهیات بگویید این را دوست دارم این را ندارم؟ وجود مبارک ابراهیم آمده و حکمت عملی را به حکمت نظری، فلسفه و راه اخلاق و حقوق را به مذهب دوخته است. فرمود ما اصلاً خدا را برای چه می‌خواهیم؟ یعنی خدایی در عالم هست؟ یا می‌خواهیم که به او دل ببندیم و دل‌مایه ما باشد و او را پرستیم؟ ما خدا را برای این می‌خواهیم دیگر. پس خدا آن است که محبوب ما باشد. آنچه که غیبت می‌کند محبوب نیست، محبت‌پذیر نیست. هم برهان اقامه کرده و حکمت نظری را تأمین کرده و هم او را با حکمت عملی دوخته؛ یعنی دین را به فلسفه دوخته. بر اساس شکل تائی فرمود اقل محبوب نیست. خدا آن است که محبوب باشد و اقل محبوب نیست؛ پس اقل خدا نیست. بعد ذات القدس اله فرمود این راه مخصوص ابراهیم خلیل نیست. منتها او دید و کذنگ تری ابراهیم ملکوت السموات والأرض او اهل رؤیت بود. در سوره اعراف به ما فرمود که او لم یظروا فی ملکوت السموات والأرض. شما نگاه کنید؛ اگر نگاه به رؤیت نرسد که دعوتش لغو است.

### تفاوت نظر و رویت

مستحضرید که گاهی نظر به رؤیت می‌رسد و گاهی نمی‌رسد. به تعبیر علامه رقتیه پشت‌پام، نظرت إلى القمر فلم أراه (کشف المراد، ص ۲۹۷) نگاه کردم ولی ندیدم. ما در فارسی بین نگاه و دیدن فرق می‌گذاریم. در عربی هم بین نظر و رؤیت فرق است. قرآن هم بین این دو تفاوت قائل شده است. فرمود او دهد شما نگاه کن که ببینی. اگر دیدن ممکن

**اگر فلسفه ابن رشد تدریس شود و در خلالش تکمیل و تحلیل شود و با بیانات حکمت متعالیه اشراق شود، با همین بیان غرب این حرف‌ها را از شما به عنوان ره‌آورد علمی مجمع عالی حکمت می‌پذیرد.**

نبود که نمی‌گفت نگاه کن و امر هم کرده است. فرمود و کذنگ تری ابراهیم ملکوت السموات والأرض ولیکون من السوفین (سوره انعام، آیه ۷۵) شما هم او لم یظروا فی ملکوت السموات والأرض (سوره اعراف، آیه ۱۸۵) خب شما هم نگاه کنید؛ هم به جهان‌بینی الهی برسید و هم به آن حکمت عملی که هم محبوبان با مرئی‌تان و با معروفان هماهنگ شود. حالا که یقین پیدا کردی نیست. قدری جلوتر برو کلاً تو تعلمون علم الیقین (سوره الحجج، آیه ۲۷) اینجا عرفان را با فلسفه دوخته. فرمود اگر ببیند که حکمت

## تأثیر فلسفه اسلامی این است که بهترین و رساترین مبلغ علمی در جهان می‌باشد

هست، خیلی‌ها می‌دانند که بهشت و جهنم وجود دارد؛ ولی حال که علم الیقین پیدا کردی قدری بکوش و کنشی از طرف او پیدا کن تا ببینی؛ بتوانی همین‌جایی که نشسته‌ای جهنم را ببینی.

همین‌جایی که نشسته‌ای بهشت را ببینی، نه بعد از مرگ، بعد از مرگ کفار هم که می‌بینند کلاً تو تعلمون علم الیقین. (تروون الحمیم) (سوره ناکثره، آیه ۳۶): یعنی ایوم، حالا که راه ابراهیم خلیل را طی کردی و دیدی بقیه راه ابراهیمی را هم طی کن، بقیه راه را هم برو که ببینی. اگر بزرگان بعدی به این نتیجه رسیدند که آن که حکیمانه یا متکلمانه دلیل می‌آورد که جهنم حق است او دارد گپ می‌زند؛ ولی این که اینجا نشسته است آتش را می‌بیند هم والجنه کمین قدرأ هم وشار کمین قدرأ او حرف می‌زند، دیگر گپ عادی نیست.

خود هنر آن دان که دید آتش عیان

نسی گسب دل علسی النار دخیان

(متنوی معنوی - دفتر ششم / بیت ۱۲۰۵)

آن کسی که وقتی دود را می‌بیند می‌گوید چون دود هست پس آتشی هست، دارد گپ می‌زند. بله او حکیم است و متکلم، اما آنجا که شعله هست دیگر دیدن آتش هنر نیست. وجود مبارک امیر تعبیری که فرمود من ائی نیستم که نیستم | ناظر به جمله حضرت علی (ع) که فرمود: ما کنت اعبد رباً ثم اراه (صدوق، توحید، ص ۱۰۹)، شاگردان من گویا دیده‌اند، آن حارثه بن زید هم که

گفت نظرت الی (زرک کالی، ج ۲، ص ۵۲). آنچه واضح است این است که او نه امام بود و نه امامزاده. پس هم راه نظر باز است یک، هم راه رؤیت باز است دو، این را نباید آوردند. مگر نه در خاورمیانه سخن از فلسفه الهی نبود هرچه بود فلسفه الحاد و شرک بود. بنابراین خود دین یک جهان‌بینی خاص دارد یک، کمبود جهان‌بینی‌های فلسفه را جبران می‌کند دو، و از در علوم، فلسفه رئیس تمام علوم است در تعلیم و در تبلیغ سه. ما دلمان می‌خواهد که همه علوم ما اسلامی باشد، تنها راه اسلامی کردن علوم فلسفه است. بالأخره جهان‌بینی دارد، جهان مخلوق است، نظام علیت به مبدأ که علت العلل است و پایش هم که هدف الأهداف است می‌رسد، بین آن هم سرامت مستقیم است و اشیا مخلوق الهی هستند؛ اینها را فلسفه می‌سازد و صاحبان علوم تحویل می‌دهد و سپس به صاحبان علوم می‌گوید شما درباره خلقت بحث کنید. هر وقت که فلسفه کم‌رنگ می‌شد و اسبب می‌دید فقهی از ما و

فقهی از برادران بزرگوار اهل سنت قیام می‌کردند و این فاصله را نزدیک می‌کردند. از میان ما علامه، شهید اول و شهید ثانی اینکار را کرده‌اند و آنها جناب قاضی ابوالولید این رشد فقیه نامور این کار را کرده است، او علاوه بر اینکه در اندلس قاضی القضاة بود،

فقیه ناموری نیز بود. خدا مرحوم بروجرودی را رحمت کند؛ ایشان پدایه المجتهد و نهایه المقتصد این رشد را در قم رواج داد. ایشان قصد داشت فقه تطبیقی را رواج دهد و اولین کتابی که رواج داد همین کتاب پدایه المجتهد و نهایه المقتصد این رشد اندلسی بود. ایشان دیدند که بازار فلسفه در اثر اشتباهاتی که جناب غزالی کرده بود کم‌رنگ شده است. غزالی خیال کرد فلسفه را با مطالعه هم می‌تواند حل کند. فلسفه علمی است که ولو شخص غزالی باشد الا و لابد باید استاد ببیند شما مقاصد الفلاسفة غزالی را ببینید یک، بعد تهافت الفلاسفة غزالی را ببینید دو، متوجه خواهید شد که آن مقاصد این تهافت را هم به دنبال دارد. خوب کسی که استاد ندیده است، حرف فیلسوف را متوجه نشده است و وقتی نقد می‌کند نقد او خام است، الا و لابد جناب غزالی باید استاد می‌دید تا مقاصد الفلاسفة را محققانه می‌نوشت و دیگر دست به قلم نمی‌شد و تهافت الفلاسفة را نمی‌نوشت. جناب این رشد آمده تهافت التهافت نوشته و همه حرف‌های او را رد کرده است. این رشد یک رساله جداگانه‌ای هم درباره اینکه فلسفه الهی، حق را ثابت می‌کند نوشته است. دین هم دارد حق را ثابت می‌کند مگر حق یا حق درگیر است؟ مگر واقع با واقع و حقیقت با حقیقت درگیر است؟ ایشان اسرار دارد و زحمت هم کشیده و تهافت التهافت و رساله‌های دیگری را نوشته است. اما از ما مرحوم علامه راه خاص خودش را طی کرده که دیگر تبازی به گفتار ایشان نیست. پادم است در شرح منطقی تجرید، الجوهر التفسیر فی شرح منطقی التجرید، آمده که این مطلب را در شرح اشارات گفتیم. گویا ایشان اشارات مرحوم بوعلی را نیز همچون خواجه شرح کرده است. مرحوم شهید اول می‌گوید من فلسفه را در دمشق پیش استاد قطب رازی خواندم. در آن جمع برادران مدرسه حضرت آیت الله گلپایگانی آنجا به عرض شما رسید که این قطب رازی غیر از قطب شیرازی است، قطب رازی اهل ورامین است. اگر فضلای ورامین در جمع ما باشند، لابد نکوداشتی داشته‌اند و باید قدر این بزرگوار را هم حفظ کنند. این کتابی که ایشان به عنوان محاکمات نوشته است، باید به طور جداگانه چاپ شود. این یک هنری کرده و بین شارحین یک میزگردی تشکیل داده از یک سو، گاهی بین شارحین و مابین

داوری کرده. بنده در فلسفه اسلامی کتابی به عنایت شرح اشارات سراغ ندارم. یعنی کتابی که همایشی باشد، هم آورد باشد، مناقره باشد و مؤدبانه باشد. متن مال مرحوم بوعلی است و فخر رازی تا توانست درباره آن جنگ کرده است و خواجه طوسی که پل این میدان است تا توانسته از این کتاب دفاع کرده است. همین قطب رازی به خودش اجازه داده بین شارحین محاکمه کند. گاهی پای مائن را وسط می آورد. میزگرد چهار نفری تشکیل داده، بالا این سنا نشسته است، یک طرف خواجه نشسته است و طرف دیگر فخر رازی نشسته است و یک طرف خودش دارد داوری می کند. از قوی ترین کتاب های بی ملاحظه فلسفی همین اشارات و تنبیحات است. مرحوم شهید می گوید من در محرومه دمشق از استادمان قطب رازی استفاده کردم و از انقاسی قدسیه ایشان بهره بردم. نتیجه برکات و بهره هایی که این بزرگوار یعنی شهید اول در شام از وجود جناب قطب رازی برده است همان است که شما الآن در

شرح منظومه مرحوم سبزواری می بینید. بعدها مقداری بخته تر شده است. حالا انشالله را عرض کنیم. مرحوم سبزواری، البته فرمایش مرحوم صدر المتألهین است و بعدش ایشان آن مطلب را باز کرده است. در برهان صدیقین در اثبات واجب تعالی این شعر در منظومه هست که:

إذا الوجود كان واجبا فهو ومع الإمكان قد استلزمه

(شرح منظومه، ج ۳ / ص ۱۰۱)

این را یا دو تقریب بیان کرده است. یک تقریب اوصاف است و به برهان صدیقین به زعم ایشان برمی گردد و یک تقریب هم به مسئله دور و تسلسل است. اما این فرمایش یک بیش حکیم سبزواری، یک سطر از عبارت شهید اول است. منتها مقداری از اول، وسط و آخرش بریده است و یک سطر نثر ایشان را به نظم در آورده است: حرف حرف شهید است. مرحوم شهید رساله های دارد به نام رسائل الأربعین. چهل مسئله در کلام را ثابت کرده است به نام أربعین کلامی از اثبات مبدأ، صفات مبدأ، توحید مبدأ، جریان وحی و توحید و امامت تا می رسد به جریان معاد. این چهل مسئله را در این رساله پایان برده است. این مجموعه ای که به نام موسوعه چاپ شده است جزء هجدهم این رساله است؛ از صفحه شصت و یک تا صفحه هفتاد و هشت. اولین مسئله این است که عالم حادث است. سپس بر این تصریح می کند که عالم و هو کل الموجود سوی الله تعالی حادث یعنی آنه مسبوق بالمعدم سبقا لا یجامع فیہ المتقدم متأخره و لیس ذلک سبق بزمان. اگر گفتیم عالم حادث است این به معنی حادث زمانی نیست. برای اینکه لعل زمان نفسه مسبوق بعدمه. این مسئله اولی است که در حادث زمانی ثابت می کند. مسئله ثانیه: المسئلة الثانية لله تعالی موجود لما تقدم من حدوث ما سواه و فناء صریح العقل باحتیاج الحداث إلى مادته. این برهان معروف کلامی است. ولأن العقل قاض بوجود موجود پس یک چیزی در عالم هست. این که موجود است یا خدا است یا خدا دارد. اگر در عالم هیچ نباشد که می شود سفسطه. اگر در عالم چیزی هست یا خدا است و یا خدا دارد. چرا؟ لأن العقل بوجود موجود فإن كان ذلك الموجود واجب الوجود فهو المدعی فثبت المطلوب. وان كان ممکن الوجود افتقر إلى موجد، اگر واجب است که ثبت المطلوب و اگر ممکن بود واجب دارد. فإن كان واجبا فهو المدعا وان كان ممكنا عاد الإحتیاج. عبارت مرحوم شهید این است که العقل قاض بوجود موجود چیزی در عالم هست. فإن كان ذلك الموجود واجب الوجود فهو المدعی اگر واجب نبود مستلزم واجب است. مرحوم سبزواری همین یک سطر و خورد های نثر شهید اول را در منظومه (طبع ناسری ص ۱۴۱) به این صورت در آورده است:

إذا الوجود كان واجبا فهو ومع الإمكان قد استلزمه

(شرح مفرد ج ۳ ص ۱۰۱)

این را دو تقریب ذکر کرده است. این فقیه که خواست از فلسفه حمایت کند و از ما شبهه‌ها، و آن فقیه یعنی ابن رشد اندلسی از برادران اهل سنت بود آمدند و درباره فلسفه الهی کتاب نوشتند و عملاً از آن حمایت کردند.

### توصیه به رواج فلسفه ابن رشد

پیشنهاد من این است همه شما بزرگان به ویژه اساتید و فضلا

و مدرسان بزرگوار مجمع عالی حکمت اینها فلسفه ابن رشد را هم رواج بدهند. برای اینکه غرب با فلسفه مرحوم صدرالمتألهین آشنا نیست خیلی طول می‌کشد تا این فلسفه به غرب برود. غرب فلسفه اسلامی را فقط از منظر ابن رشد می‌شناسد. غربی‌ها او را شارح حرف‌های ارسطو می‌دانند. اگر فلسفه

ابن رشد تدریس شود و در خلاصش تکمیل و تحلیل شود و با بیانات حکمت متعالیه اشراق شود، با همین بیان غرب این حرف‌ها را از شما به عنوان ره‌آورد علمی مجمع عالی حکمت می‌پذیرد. آنها هم نشئه معارف هستند. آنها هم به ستوه آمده‌اند. شما تنها یک دیوانه‌ای که دست به هتاک می‌زند و چهار تا سیاست‌پو دنیاخواسته دنیازده که دست به اهانت امثال ذلک می‌زنند را ببینید لیسوا انساناً کالاتعام بل هم اقل به حساب نمی‌آیند؛ دانشمندان غرب اینها نیستند؛ مردم غرب اینها نیستند؛ همیشه از این افراد وجود دانشمند قتل‌تیبین بغیر حق بودن؛ یقتلون التیبین بغیر حق (سوره آل عمران، آیه ۲۱). اینها را شما به حساب نیاورید. مردم تحصیل‌کرده غرب منتظر رهنوشه فلسفی شما بزرگان هستند ضمن اینکه حکمت متعالیه، ضمن اینکه حکمت مشاء، ضمن اینکه حکمت اشراقی تحلیل می‌شود و تکمیل می‌شود و هرگز فکر نکنید که علم سال دیگران است؛ نه خدا علم را وقف کسی نکرده است. به تعبیر شیخ اشراق وقف‌نامه‌ای نیامده است که خدا علم را وقف عصر و مصری کرده باشد (مجموعه مستنفاات شیخ اشراق، ج ۲، ص ۹-۱۰). در بسیاری از شهادت ممکن است به اوج حکمت برسید. این شاه‌الله فلسفه جناب ابن رشد را هم در حوزه ترویج و تدریس کنید و حکمت متعالیه را در او اشراق کنید، سپس این فلسفه اشراق شده را به غرب منتقل کنید تا این شاه‌الله هم از دیشان حمایت کرده باشید و هم از فلسفه.

این فلسفه تربیون دین است. این تربیون را به دست دین بدهید؛ ویشروا لهم دنان العقول (نهج البلاغه، خطبه ۱) آن

حرف‌هایی که در مناجات‌ها و در ادعیه است و بزرگان فرمودند اینها را فلسفه به عنوان تربیون بهره می‌برد و بازگو می‌کند. دو عبارت الآن در حوزه‌های علمی رایج است: یکی رفع ما لا یعلمون (وسایل التبیانه، ج ۱۵، ص ۳۶۹) و یکی لا تنتفض الیقین بالمشک. همین لا تنتفض را وقتی به دست علما دادند، با حذف مکررات، پنجاه یا شصت جلد کتاب شد. آن قانون علیتی که وجود مبارک اسام رسا فرمود یا وجود مبارک امیر در نهج البلاغه بیان کرد که کل قائم فی

## فلسفه تربیون دین است. این تربیون را به دست دین بدهید.

\*\*\*

## اگر فلسفه در خاورمیانه رواج یافت، به برکت دین است

سواء معلول نهج البلاغه. خطبه ۱۸۶) آن مستگیرتر و وزین‌تر از لا تنتفض الیقین اهداً بالمشک (وسایل التبیانه، ج ۴، ص ۴۱۲) است. یک طبله پس از پنج شش سال درس خواندن لا تنتفض را می‌آهید؛ اما مگر بعد از هفت هشت سال درس خواندن

می‌تواند قانون علیت را بفهمد؟ خوب این را امام گفته است. الآن دو سه خط از فرمایشات ائمه در حوزه‌ها است. بسیاری از مطالبی که چه رسد به مناجات شعبانیه و اینها، اگر همین قوانین کلی عقلی که در نهج البلاغه است درس شود، معلوم می‌شود چه خیر است. اگر کسی خدای ناکرده زمینه‌های عقلی نداشته باشد که به زحمت می‌آیند بنابراین امیدواریم این کوششی که شما عزیزان کردید سعی و تلاش‌هایی که مجمع عالی حکمت اساتید بزرگواری که به انجمن حکمت تهران تشریف آوردند و این کار را کردند و همچنین کسانی که عهده‌دار برگزاری مراسم رسمی فلسفه در ایران هستند و اساتیدی که در تهران در دانشگاه هستند و شما اساتید حوزه و بزرگانی که همه ما را به فیض عالی رساندند مشکور باشد، ولی تلاش و کوشش‌ها این باشد که حداکثر بهره را ببرید. این دین و فلسفه را هماهنگ کنید، اشکالات آن را برطرف سازید و تربیون را به دست عقل بدهید تا نقل را به بهترین وجه در جهان منتشر کند. پروردگارا امر فرج ولایت را تسریع بفرما. نظام ما رهبر ما مراجع ما دولت و ملت ما و مملکت ما را در سایه اسام زمان حفظ کن. ازواج مؤمنان عالم من الاولین والآخرین، اسام راحل، اساتید ساد، علامه طباطبایی، بزرگان حکمت و فلسفه، همه را همانند شهیدای انقلاب و جنگ محشور با نبیا و اولیا بفرما. بین ما و قرآن جدایی می‌کن. سعی همه بزرگواران را مشکور بفرما. غفر الله لنا ولکم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

گزارش

فلسفه اسلامی



عنوان: «مبانی و اصول عرفان نظری»

نویسنده: سید یدالله یزدان‌پناه

ناشر: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی\*

سال نشر: ۱۳۸۹

صفحات: ۷۱۲

حضرت حجت الاسلام والمسلمین استاد سید یدالله یزدان‌پناه از اعضای هیئت مدیره مجمع عالی حکمت اسلامی می‌باشد و ریاست گروه علمی عرفان مجمع را برعهده دارد.

«مبانی و اصول عرفان نظری» عنوان کتابی است که اخیراً توسط انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) انتشار یافته است. این اثر تحریر درس‌های عرفان نظری اندیشمند فرزانه حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین استاد سید یدالله یزدان‌پناه حفظه‌الله در مرکز پژوهش دائرة المعارف علوم عقلی اسلامی وابسته به مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) است. در مقدمه‌ای که از سوی این مرکز در آغاز کتاب ارائه شده، آمده است: «این درس‌ها که در معرفی درست و روشن و دقیق مبانی و شاکله‌های عرفان نظری در نوع خود بی‌مانند است مورد استقبال شدید علاقمندان به عرفان قرار گرفته. مراجعات مکرر به این مرکز برای استفاده از نوارهای درسی و متن پیاده شده آن، ما را بر آن داشت که با موافقت مؤلف محترم، آن را منتشر کنیم و در اختیار همه علاقمندان عرفان اسلامی قرار دهیم.»

به اعتقاد برخی از اساتید که در آموزش مقامات مختلف فلسفی و عرفانی تجارب مفیدی دارند، این کتاب بهترین اثر از نظر آموزش عرفان نظری در دوره پایه است. آموزش این کتاب با مطالعه و پژوهش عمیق در آن، افزون بر ورود صحیح به مباحث عرفان نظری، شکل‌گیری ساختاری آموزه‌های آن در ذهن پژوهنده، آشنایی با منابع درجه اول تحقیق و متون عمیق آنها سرعت فراگیری متون درسی عرفان نظری همچون تمهیدات قواعد، شرح قدوس الحکم و مسباح الانس را بالا برده و قدرت فهم این متون را به صورت چشم‌گیری افزایش می‌دهد.

این اثر در چهار بخش تنظیم یافته است:

در بخش نخست تحت «عنوان کلیات» تاریخچه تحولات عرفان نظری، چستی عرفان نظری و نسبت آن با عقل و شریعت مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. مؤلف در بخش دوم تحت عنوان «وحدت وجود یا توحید عرفانی»، با مقایسه سه نگاه متناهی و صدراپی و عرفانی به مسأله وجود از یک سو، و طرح اقسام حیثیت‌های اطلاق، تعلیلی و تقییدی، به ویژه بررسی مبتکرانه سه قسم حیث تقییدی یعنی نقادی و اندماچی و شانی از سوی دیگر، موفق به ارائه تصویری عمیق و صحیح از وحدت شخصیه وجود شده، وحدت اطلاق حق تعالی را با حفظ کثرت شئون تبیین نموده‌اند. این بخش به گونه‌ای ارائه شده تا اشکالات و شبهات که معمولاً درباره این موضوع مهم عرفانی به ذهن‌ها خطور می‌کند، حل و فصل شود. در ادامه همین بخش فروع و لوازم وحدت وجود همچون اخلاق مقسمی واجب، ظهور و تجلی، جمع تشبیه و تزیه و براهین عقلی و نقلی وحدت وجود مورد کاوش و بررسی قرار گرفته است. در بخش سوم تحت عنوان «مقام ذات و مراتب تجلیات» به تفصیل ابعاد مختلف «مقام ذات»، «تعین اول»، «کمال ذاتی و اسمائی»، «تعین ثانی»، «اسماء و اعیان ثابت»، «جبر و اختیار»، «عالم خلقی» و «فلس رحمانی» بحث و بررسی شده است. و بالاخره در بخش چهارم، ابعاد مختلف انسان کامل همانند جامعیت انسان کامل، نسبت او با خداوند و با جهان، خلافت و رسالت و نبوت و ولایت و مسأله خاتم اولیاء، مورد مطالعه قرار گرفته است. در پایان کتاب نیز انواع فهرست‌های فنی ارائه شده است.

اهمیت و جایگاه

# روز جهانی فلسفه

از نگاه اساتید علوم عقلی اسلامی

روز جهانی فلسفه



دکتر  
ابراهیم علی پور



دکتر  
محمد فتاحی اشکوری



دکتر  
حمیدرضا رفسانیا



دکتر  
مجتبی فاضل



دکتر  
محمد مهدی مهندس

در استانه برگزاری کنفرانس روز جهانی فلسفه در جمهوری اسلامی ایران، نظر برخی از اساتید فلسفه اسلامی را در این زمینه جویا شدیم. حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمیدرضا رضا نیا عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه؛ جناب آقای ابراهیم علی پور عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و دبیر کمیته علمی بخش فلسفه اسلامی کنفرانس روز جهانی فلسفه؛ حجت الاسلام والمسلمین آقای مجتبی فاضل رئیس مرکز تربیت مدرس حوزه علمیه قم؛ جناب آقای دکتر فتاحی اشکوری عضو هیئت علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) و حضرت حجت الاسلام والمسلمین محمد مهدی مهندس استاد حوزه و دانشگاه از جمله اساتیدی هستند که نظرات خود را بیان کرده اند.

## برگزاری همایش روز جهانی فلسفه در ایران

از چه اهمیتی برخوردار است؟

دکتر رضا نیا: چون ایران از قدیم الایام مهد اندیشه و حکمت بوده است و حتی اندیشمندان فیلولوی (فیلولوپون) دیدگاههای بسیار فاخر و با اهمیتی در باب حقایق هستی ارائه داده‌اند و بعد از اسلام حکمت اسلامی در ایران رنگ و بوی دیگری گرفته است و بزرگترین اندیشمندان جهان اسلام همواره از این مرز و بوم بوده‌اند، لذا نقش ایران در روز جهانی فلسفه نقش اساسی و کلیدی است.

آقای علی پور: سازمان یونسکو سومین پنج‌شنبه از ماه نوامبر هر سال را روز جهانی فلسفه نامیده که اولین کنفرانس جهانی در ۲۱ نوامبر ۲۰۰۲ برگزار شده و این کنفرانس در سال ۲۰۱۰ در ایران برگزار می‌شود. یونسکو یک سازمان علمی-فرهنگی بین‌المللی است و هدف از تشکیل این کنفرانس گسترش عقلانیت و خوددورزی در جهان و استمداد از متفکران و اندیشمندان علوم عقلی برای مساعدت عملی برای بهبود زندگی بشر امروزی است. افسردگی، استرس، بی‌معنایی، نابودی، بنیان‌های فکری برای یک زندگی

اصیل و سالم و گسترش خشونت از جمله مضامین انسان معاصر است و سازمان یونسکو به عنوان مهم‌ترین رکن علمی، فرهنگی در سطح بین‌المللی تلاش دارد، با رویکرد علمی و فلسفی بر زندگی انسان معاصر تأثیر مثبت بگذارد.

از این رو برگزاری چنین کنفرانسی با این اهداف عظیم در ایران نشان دهنده جایگاه عظیم ایران در بهبود و ارتقاء زندگی انسان معاصر، هم مبین غنای فرهنگی کشور ایران (بمنوان اولین کشور آسیایی و اولین کشور مسلمان که میزبان چنین همایش عظیمی است که در آن متفکران سراسر جهان حضور می‌یابند) و هم نشانگر ذوقیت و توانایی‌هایی علمی و عملی ایران می‌باشد به‌علاوه کشور ما نیز با استفاده از این فرصت مهم ضمن معرفی دستاوردهای علمی و فلسفی خویش، فلسفه اسلامی را که متأسفانه در جهان مهجور و مظلوم است به دنیا معرفی می‌کند.

این کنفرانس از لحاظ اجتماعی و سیاسی نیز مغتنم و مهم است چون موفقیت در برگزاری چنین همایشی یعنی بی‌اثر نمودن آرزوی بدخواهان و مستکبران در تبلیغ انزوای جهانی ایران و هم فرصتی برای شناخت بی‌واسطه ایران و تعبیر دیدگاه مسوومین متفکران جهان و خنثی سازی دهه‌ها سال تبلیغات منفی علیه جمهوری

حکمت اسلامی



اسلامی ایران، و تبلیغ و انتقال فرهنگ غنی اسلامی ایرانی به جهان امروز.

**ایا تعامل فکری اندیشمندان و فلاسفه اسلامی و ایرانی با اندیشمندان غرب می‌تواند در بهبود شرایط زندگی امروز انسان نقشی داشته باشد؟**

**حجت الاسلام فاضل:** با توجه به ظرفیت بسیار بالای فیلسوفان اسلامی- ایرانی و جایگاه رفیع این اندیشمندان که انتخاب مقرر و مکان همایش به کشوری خاص، کشف از موقعیت‌های مناسب و بستر سازی مناسب برای آن علم و - می‌باشد. بلا تشبیه امروزه مسابقات جهانی فوتبال را در هر کشوری برگزار نمی‌کنند مگر اینکه قابلیت‌ها و استعداد هایی را در کشور میزبان ببینند، بنابراین در ارزیابی جهانی و بین‌المللی همین که ایران پذیرفته می‌شود که روز جهانی فلسفه در آن برگزار گردد برای اهل اطلاع، کشف از موقعیت‌های مناسب می‌نماید.

**دکتر رضا نیا:** مسلماً اگر خطای فلسفه اسلامی و معارف دینی ما به خوبی به جان نشسته اندیشمندان دیگر کشورهای جهان برسد شوری و نشاطی علمی و حکمی در دلها ایجاد می‌نماید و چون همواره نحوه زندگی و تعامل افراد و نگرش به هستی، مدیون اندیشه و دیدگاههای عقلی و فلسفی بوده است و خواهد بود. در صورتی که جهانی بینی انسان دینی و الهی باشد، زندگی او و رفتار و برخورد او با دیگران نیز حسنه الهی پیدا می‌کند.

**دکتر فنانی اشکوری:** از آنجا که ایران همواره یکی از قطب های فلسفی در جهان بوده است این شایستگی و حق را دارد که کانون فعالیت های فلسفی از جمله محل برگزاری برنامه روز جهانی فلسفه باشد. مراکز آموزشی و تحقیقی فلسفی ما باید به اندازه ای قوی و غنی باشند که نگاه علاقمندان به فلسفه در سراسر جهان به ایران باشد و ایران معاد گاه فلاسفه جهان باشد. ایران هم از جهت جغرافیایی و هم از جهت تاریخی و فرهنگی یکی از مناسبترین جاها برای تلاقی فیلسوفان شرق و غرب است. همایش روز جهانی فلسفه می تواند فرصتی باشد که فلاسفه معاصر از سراسر جهان با یکدیگر آشنا شوند و در حوزه های مورد علاقه خود گفتگو کنند و در باب چالش های فکری جدید انسان معاصر به تأمل و چاره جویی بپردازند. این همایش مجال ارزشمندی برای معرفی فلسفه اسلامی به جهانیان و آشنایی ایرانیان با دیگر فلسفه هاست.

**اقای علی پور:** قطعاً همینطور است. فلسفه، تغل و خوددورزی مرز نمی‌شناسد، یعنی فلسفه یک دانش جهانی است و از این رو تعامل در این عرصه یک ضرورت است و یافته‌های اندیشمندان ایرانی و مسلمان می‌تواند در حل بحران‌های انسان معاصر بسیار مفید باشد. بسیاری از موضوعات علوم عقلی بین فلاسفه اسلامی و غربی مشترکند و این تعامل به ارتقاء وضع موجود و اصلاح کمبودها کمک شایانی می‌کند.

**حجت الاسلام فاضل:** با توجه به دهه‌های اخیر و رشد فزاینده فلسفه‌های انسان‌نگر و انسان محور در غرب که مسلماً دین حنیف اسلام نسبت به این مهم هم دیدگاههایی دارد باید از این فرصت‌ها که تربیون‌های جهانی هم آنان را تبلیغ می‌کنند استفاده نمود.

**استاد مهندس:** با توجه به سابقه دیرینه تمدن اسلامی و بلکه ایرانی در عرصه‌های گوناگون علمی بویژه از جنبه فلسفی و وجود فلاسفه بزرگی همچون ابن‌سینا، شیخ‌الاشراق، خواجه طوسی، میرداماد، صدرا و ... تا فلاسفه موجود پذیرش این امر در جهان فلسفی قدیم و جدید، یقیناً برگزاری همایش روز جهانی فلسفه، توجه جهانیان را در این عرصه علمی به این جایگاه و کشور مطرح . در سطح جهان بیشتر خواهد کرد. مقایسه فلسفه اسلامی با توانمندی‌های آن با فلسفه یونان، گویای رشد چشمگیر و قابل توجه فلسفه در این کشور بوده و تلاش وسیع و عمیق بزرگان فلسفه، حقیقی است انکارناپذیر تا آنجا که شعاع روشن آن در بین فلاسفه غربی و بازتابش در نقض و ابرام اندیشه فلسفی در غرب کاملاً مشهود است. لذا برگزاری همایش روز جهانی فلسفه در ایران که در حقیقت خاستگاه رشد و فلسفه است، فرصت بسیار مغتنمی برای آشنایی بیشتر با توانمندی‌های فلسفه اسلامی خواهد بود.

**دکتر فنانی اشکوری:** شکی نیست که بین نظر و عمل ارتباط عمیقی هست و نحوه تفکر هر قومی بر نحوه زندگی آن اثر می‌گذارد. از آنجا که فلاسفه نقش مهمی در شکل دهی به تفکر و باورهای مردم دارند، تعامل فکری فلاسفه می‌تواند سوء تفاهم‌ها را تقلیل و زمینه را برای تقارب افکار آماده کند و از این طریق نهال دشمنی را برکنند و بذر دوستی را در دلها بکارند.

**استاد مهندس:** از آنجا که بشریت امروز، پس از گذر از تجربه‌های مکرر زندگی مادی صرف و توغل در مادیت و شهوات و امثال آن و دست نیافتن به گذشته حقیقی و فطری خود، رو بکرد متفاوتی با گذشته دارد؛ یقیناً به دنبال رسیدن به آن گذشته است. دست یافتن به این گذشته جز در سایه عقلانیت و کرایشات عقلانی و استدلالی و حکومت عقل و استدلال، حاصل نمی‌شود. بنابراین تعامل فکری اندیشمندان و فلاسفه در جهان ارتباطات، فرصت بسیار مناسبی برای تضارب اندیشه‌هاست. قطعاً در سایه این تعاملات که باعث رشد اندیشه خواهد شد، انسان امروزی نیز از آن بهره‌مند می‌گردد. همانگونه که تعامل در مسائل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و - در نحوه زندگی انسان‌ها مؤثر است. ارتباط در حوزه

اندیشه که از جایگاه بنیادین برخوردار است، تأثیر قوی‌تر و غنی‌تر و بنیادی‌تری خواهد داشت.

## ایا فلسفه اسلامی، ایرانی پاسخی برای معضلات جهان امروز دارد؟ آیا آرای فلاسفه اسلامی در عرصه‌های عقلی با مقتضیات جهان امروز سازگاری دارد؟

**دکتر رضانیا:** از آن‌رو که فلسفه اسلامی تبیین عقلی معارف دینی ماست و چون معارف دینی ما حقایق است آسمانی و ملکوتی و دین اسلام قانون زندگی سعادت‌مند انسان است در دنیا و آخرت، در صورتیکه این معارف بلند الهی به زبان عقل و استدلال بیان گردد. هیچ صاحب خردی نمی‌تواند از آن گریزان باشد، چرا که عقل زبان بین‌المللی است و هیچ صاحب شعوری توان لنگار آن را ندارد.

مقتضیات زندگی انسان بر اساس فطرت و دین است و صاحب عالم هستی به اقتضای حکمتش آنچه که بشر نیاز داشته است را در قالب دین برای او تبیین نموده است. بنابراین در صورتیکه مقصود از مقتضیات جهان امروز مقتضیات راستین فطری و انسانی او باشد البته که معارف دینی و فلسفه اسلامی با آن متعلق و هماهنگ است.

**آقای علی پور:** با نگاهی به بحران‌های دنیای معاصر می‌توان عمده‌ترین مشکلات انسان‌ها را معضلات اخلاقی، افسردگی، فقدان معنویت معنایی، گسترش نیهیلیسم، گسترش خشونت و تروریسم، ناامیدی نسبت به آینده، گسترش سیستم‌های ناسالم سیاسی و اجتماعی، تبعیض‌های نژادی و طبقاتی شمرد و فلسفه و عرفان اسلامی می‌تواند در رفع این معضلات نقش مهمی داشته باشند. ارائه بنیان‌های نظری قوی همراه با تأکید بر معنویت و خدانشناسی (برگرداندن خدا به متن زندگی و اجتماع) ارائه فلسفه اخلاقی مشرک‌ارائه فلسفه سیاست عدالت‌محور، گسترش امید به آینده، می‌تواند در بهبود سطح زندگی انسان معاصر کمک نماید. چنانچه امروزه، عرفان اسلامی در دنیا شناخته شده است و طرفداران زیادی دارد و در رفع بحران‌های روحی و روانی بسیار مؤثر بوده است.

**حجت الاسلام فاضل:** البته نوع نگاه فلسفه اسلامی با فلسفه رایج در غرب می‌تواند بعضاً تفاوت ماهوی داشته باشد اما از آنجایی که انسان در فلسفه اسلامی و بطور اعم در دیدگاه الهی مهمل گذاشته نشده، می‌تواند آراء دین و مذهب را در معضلات رایج در غرب مطرح نماید.

**دکتر فنانی اشکوری:** اگر پرسش این باشد که آیا ما امروزه

بالتعل برای همه معضلات جهان راه حل قانع‌داریم پاسخ منفی است، چنانکه در هیچ فرهنگ و تمدنی چنین راه حل حاضر و آماده ای وجود ندارد. اما اعتقاد ما این است که جهانی‌سازی اسلامی حاوی راه حل‌های اساسی برای معضلات بشری هست و حکمت اسلامی ظرفیت بالقوه وسیعی برای روبرو شدن با این معضلات را دارد. شاید مهم‌ترین وظیفه متفکران اسلامی کوشش برای کشف و استخراج پاسخ‌های اسلامی برای پرسش‌های عصری است. یکی از برکات چنین همایش‌هایی این است که با مطرح چالش‌های جدید متفکران اسلامی را به یافتن پاسخ‌های مناسب ترغیب می‌کند. قطعاً فیلسوفی که فلسفه ورزی اش محدود و محصور به یک دسته مباحث انتزاعی و کلیشه‌ای است برای حل معضلات نوسازنده بشر سخنی برای گفتن نخواهد داشت. ویژگی این همایش این است که توجه متفکران را به ایجاد عملی و آثار عینی فلسفه در زندگی بشر جلب می‌کند. اگر این همایش نتواند پاسخ‌های عاجلی برای معضلات امروزی بشر پیدا کند، باری می‌تواند حرکت فکری فیلسوفان را در جهت یافتن چنین پاسخ‌هایی جهت دهد.

**استاد مهندس:** فلسفه اسلامی به لحاظ غنای که دارد یقیناً پاسخگوی سوالات بنیادین و راهگشای قوی برای تبیین حقائق و جهان‌بینی صحیح و درست و مطابق با واقع است. البته امر به معنای ندانستن کاشی نیست، اما آنچه مهم است به لحاظ اتکاف و این فلسفه به آموزه‌های اسلامی و بهره‌مندی و الهام‌گیری و تعامل جدی با منبع وحیانی، قدرت پاسخگویی آن را افزون نموده است. عمده آنچه در زندگی انسان امروز مطرح است و مشکل جدی و اساسی اوست، ندانستن یک جهان بینی درست و سردرگمی و بحران در هویت انسانی و نایافتن پاسخی صحیح از مبدأ و معاد خویش و کم کردن راه درست بودن و زیستن است. فلسفه اسلامی بخوبی پاسخگوی این نیازمندی‌های اساسی بشر امروز است و با یافتن این حقائق می‌تواند نظام اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، علمی و ... را ساماندهی منطقی و قابل قبول ببخشد.

## جایگاه فلسفه اسلامی را در حال حاضر در جامعه و دنیای معاصر چگونه ارزیابی می‌کنید؟ همچنین به نظر شما اندیشمندان ایرانی در عرصه جهانی اندیشه از چه جایگاهی برخوردارند؟

**دکتر رضا نیامناسفانه پلقت بروز و ظهور ضعیف فلسفه اسلامی در دنیای معاصر و عدم آشنایی اکثر اندیشمندان غربی با آموزه‌های فلسفه اسلامی آن گونه که شایسته است حتی فلسفه اسلامی آدا نشده است و اندیشمندان ایرانی از جایگاه بایسته‌ای در عرصه جهانی برخوردار نمی‌باشند.**

**اقای علی پور:** متأسفانه جایگاه فلسفه اسلامی در حال حاضر در دنیا جایگاه مناسبی نیست و همین‌طور اندیشمندان اسلامی از جایگاه شایسته و بایسته برخوردار نیستند. اگر بخواهیم با سایر کشورهای اسلامی و آسیایی مقایسه نمایم وضعیت ایران بسیار بهتر می‌باشد ولی در سطح جهانی این حضور کم‌رنگ است و این به دو دلیل است یکی به دلیل عدم توفیق در معرفی درست و مناسب از داشته‌های خویش و دیگری آنکه فلسفه اسلامی بیشتر یک فلسفه نظری است تا عملی، و امروزه نیاز به حوزه عملی بیشتر از نظر مورد اقبال و استقبال است اگر چه داشته‌های موجود نیز به صورت مناسب معرفی و ارائه نشده و جایگاه جهانی آن نسبت به داشته‌هایش بسیار کم‌رنگ و ضعیف به نظر می‌رسد و بایستی نسبت به معرفی تبلیغ و ارائه آن کوشش مضاعفی نمود. و از این وضعیت پیش آمده حداکثر بهره را برد.

**حجت الاسلام فاضل:** فلسفه اسلامی اگر در دنیای معاصر قرارگیر نیست باید از چند بُعد مورد مداخله و کنکاش قرار گیرد. بخشی از آن نداشتن صدای رسا در دنیایی که بوق‌های تبلیغی قوی ما را احاطه نموده جستجو کرد. از طریق دیگر دغدغه انسان معاصر غرب با آنچه در فلسفه اسلامی خصوصاً فلسفه مشاء گذشته، متفاوت است. در بُعد اندیشمندان اسلامی که حتماً مراد فیلسوفان مسلمان می‌باشد، بدایلی می‌توانند گمنام باشند. شاید اگر امروز فلسفه در غرب همانی است که مشکل امروز دنیای وی را حل کند، ترجمه می‌شود در حالیکه در نگاه شرق فلسفه و فیلسوفان شرق نگاه متفاوت دارند.

**دکتر فنائی اشکوری:** نه در جامعه ما و نه در دنیا فلسفه ما آنگونه که شایسته است معرفی و شناخته نشده است. در اغلب دانشگاه‌های غربی هنوز فلسفه اسلامی را در دانشکده‌ها و موسسات شرق شناسی و مطالعات خاورمیانه مطالعه می‌کنند. نه در دانشکده‌های فلسفه معمولاً در این مطالعات فلسفه اسلامی را به عنوان پدیده‌ای تاریخی مربوط به قرون وسطا می‌نگرند که با این رشد خاتمه یافته. نه به عنوان یک سنت زنده و جاری. قطعاً یکی از علل این امر این است که فلسفه متأخر اسلامی بخوبی معرفی نشده است. اخیراً کارهایی در این زمینه صورت گرفته و دانشجویان و محققانی به فلسفه اسلامی علاقمند شده‌اند، اما نه در حجمی که متناسب با حکمت غنی و قویم اسلامی باشد. در کشور های اسلامی خارج از ایران نیز به فلسفه نگاه منفی هست و در مواردی آن را امری بیگانه از دین و حتی کفرآمیز تلقی می‌کنند. در کشور های اسلامی فلسفه غربی خیلی بیشتر از فلسفه اسلامی مورد توجه هست. در برخی از این جوامع از روی ناآگاهی فلسفه اسلامی را پدیده‌ای ایرانی یا شیعی معرفی می‌کنند که ربطی به اسلام ندارد. اما حتی در جامعه ما نیز به رغم اینکه قطب فلسفه اسلامی

است هنوز این فلسفه جایگاه مناسبی را نیافته است. این امر علل مختلفی دارد. اولاً زبان فعلی فلسفه ما زبان دشواری است و درک آن برای کسانی که سالها در این زمینه آموزش ندیده باشند دشوار است. ما هنوز نتوانسته ایم فلسفه را به زبانی قابل فهم برای غیر متخصصان عرضه کنیم. علاوه بر دشواری واژگان و قلم، اغلب متون سنتی فلسفه ما به زبان عربی هستند و ترجمه های روانی از آنها در دست نیست. ثانیاً فلسفه ما در قرون اخیر به مباحث انتزاعی هستی شناختی منحصر شده و حوزه های انسانی و اجتماعی و آنچه که دغدغه اصلی امروز بشر است را مورد توجه قرار نداده است. فلسفه های مضامین هنوز در جامعه ما شکل نگرفته‌اند. طبیعی است که مباحث انتزاعی صرف علاقمندان کمتری نسبت به مباحث مرتبط با زندگی روزمره دارد. ثالثاً بنا به طبیعت نظام وارداتی دانشگاهی، نگاه بسیاری از تحصیل کرده های دانشگاهی به غرب است و چون غربیان توجه لازم را به فلسفه اسلامی نکرده‌اند، طبیعتاً شرقیان متأثر از غربیان نیز از آن غافل و به آن بی‌اعتنا هستند. رابعاً در میان برخی مذہبی‌ها و سنتی‌ها نیز مخالفت با فلسفه همواره وجود داشته و دارد و این خود موجب اعتراض از فلسفه و حتی مبارزه با آن می‌شود.

اما به رغم این واقعیات پس از انقلاب اسلامی فلسفه در ایران بطور بی سابقه ای مورد توجه واقع شده و فعالیت های گوناگون فلسفی در حوزه های علمی و دانشگاه ها در جریان است. زمینه ساز این جریان بی شک انقلاب اسلامی و اندیشه های امام خمینی است. باید افزود که کوشش های علامه طباطبائی و شهید مطهری در بالایش، توسعه و تعمیق فلسفه اسلامی و عرضه آن در قالب امروزی نقش مهمی در این تحول داشته است.

**استاد مهندسی:** باید گفت که جایگاه فلسفه اسلامی در دنیای معاصر تا حدی ناشناخته است. علیرغم توانمندی‌هایی که دارد به دلیل عدم تعامل جدی با فضای بیرونی، قدری مجهول مانده است. بر این اساس اندیشمندان ایرانی از این حیث، به آن جایگاه آرمانی و مطلوب دست نیافته‌اند. لذا این قبیل همایش‌ها و بی‌گیری گسترش ارتباطات، می‌تواند فلسفه و فیلسوف اسلامی را بیشتر معرفی کند. گرچه بی‌ایگاه نیست اما رسیدن به نقطه مغلوب برنامه‌ریزی بیشتری می‌طلبد.

به نظر شما در عرصه تولید علم و نظریه، آیا

ما با کمبود تولید اندیشه مواجه هستیم؟ یا

عرصه و امکانات لازم را برای ارائه اندیشه‌ها را

در اختیار نداریم؟

**دکتر رضا تیا:** شاید بتوان مشکل را در قالب این عبارت بیان نمود که فلسفه اسلامی همواره در طول تاریخ اندیشه، بر مسند

ادعای رسیدن به خط پایانی و در واقع نارسایی در درک عمیق عالم و اندیشه است و چنین ادعائی ناسمجح است. در فضای فعلی مقداری توقف داشته و در جا می‌زبید. اما امید است که با تلاش و برنامه‌ریزی بیشتری، تولیدات افزونتری ایجاد شود. گرچه بهمین مقدار که موجود است و کم هم نیست، فضای ارائه محدود و غیرقابل قبول است.

### آیا نظام آموزشی ما توانمندی لازم را برای ایجاد پرسش، اندیشه‌ورزی و تولید علم را دارد؟

**دکتر رضا نیا:** به نظر می‌رسد که نظام آموزشی ما برای ارائه خردورزی اسلامی بسیار ضعیف و ناتوان است. کمرنگ شدن کیفیت و نمود روز افزون کمیت‌ها، بسته نمودن به سطح و دوری از عمق و ژرفای اصول و مبانی، تدوین خلاصه و تخریب و چکیده کتاب‌های فاخر فلسفی و اکتفاء به اشتباهی اجمالی با معارف بجای غوص و تعمیق در قیاسات معارف ما را از توانمندی لازم برای ایجاد پرسش و اندیشه‌ورزی و تولید علم باز داشته است.

**آقای علی پور:** چنانچه عرض کردم یکی از مشکلات عمده در گسترش و تولید علوم انسانی به خصوص حوزه فلسفه، کلام و عرفان ساختار معیوب نظام آموزشی است. نظام آموزش فعلی مترک محور، ترجمه محور و گزارش محور می‌باشد بدیهی است به تولید فکر و اندیشه، ایجاد سوال و تشویق پرسشگر بها نمی‌دهد، ساختار علمی آموزش عالی ما صرفاً بر اساس ارائه ترجمه آثار غربی و فاقد تحلیل و بررسی است. در علوم انسانی به پژوهش بها داده نمی‌شود، جایگاه پژوهش و تولید فکر چنان تنزل کرده که در هر کوی و برزن پژوهش‌های تکراری و حقیق می‌فروشند و این نتیجه مدرک‌گرایی افرامی و عدم توجه به جایگاه علم و دانش و تحقیق و سایر توانایی‌ها می‌باشد. بدیهی است که باید ساختار عوض شود و البته حتماً بایستی توجه کرد که اینجانب مخالف ترجمه و گزارش نیستم بلکه آنها را هم در جای خود یک ضرورت می‌دانم ولی کل سیستم آموزشی را در این مرحله متوقف کردن یک اشتباه است و بایستی اصلاح شود ما باید ترجمه گزارشی را درآمد تحلیل و نقد و بررسی قرار دهیم، و بر ارائه دانش‌های خویش و عرضه آنها به صورت امروزی همت نمائیم. بایستی در علوم انسانی مانند علوم تجربی به پژوهش اهمیت دهیم تا به تولید علم کمک کرده باشیم.

**حجت الاسلام فاضل:** نظام آموزشی ما، نظام کارآمدی بوده است. بنده در یک نظام جامع اعتقاد به منطقی موزاییکی دارم که باید نظام اخلاقی، تربیتی، آموزشی، پژوهش و ... با هم متناسب و هماهنگ باشد. واقعیت این است که برنامه آموزشی ما فعلاً نظام‌مند نیست. ظرفیت‌های بالای حوزه چه در قسمت برادران و بر

عرشی و ملکنونی خود نگیه زده و کمتر به این مطلب پرداخته شده است که بین عرش اندیشه و فرش زندگی و عمل ارتباط وثیق برقرار گردد. در صورتی می‌توان در عرصه تولید علم و نظریه موفق بود که جایگاه هر کدام از این دو قلمرو و ارتباط آنها روشن و شفاف باشد.

**آقای علی پور:** چنانچه از جواب پیشین روشن گردید در هر دو حوزه ما با کمبود مواجهیم. به نظر اینجانب به سه دلیل در عرصه تولید و نظریه‌پردازی زیاد موفق نبوده‌ایم.

1. توجه غالب در سطح دانشگاه‌ها به فلسفه و علوم عقلی فلسفه موجود غرب آن هم در سطح ترجمه و گزارش، بدون تحلیل و نقد و بررسی است و اصولاً فلسفه اسلامی و سنتی با بی‌مهری‌های زیادی مواجه بوده به گونه‌ای که کانه چنین رشتنای از ارزش کافی برخوردار نبوده و یا ارزش جهانی و بین‌المللی ندارد و البته در حوزه‌های علمی نیز درس فلسفه یک فرع محسوب می‌شده و با چالش‌ها و موانعی مواجه بوده است.
2. کمبود پژوهشگران تلاش‌گر و مراکز علمی قوی که به شکل پژوهش محور به این علم بها بدهند. پژوهش در کشور ما در همه حوزه‌ها ضعیف است و در حوزه فلسفه، کلام و عرفان به مراتب ضعیف‌تر می‌باشد، غالب است بدایت وزارت بهداشت و درمان دکترای پژوهش برگزار می‌کند ولی مراکز عالی فلسفی هنوز هیچ بهایی به آن نمی‌دهند.
3. اطلاع‌رسانی ضعیف ما در تبلیغ، در ارائه و اطلاع‌رسانی ضعف‌های جدی داریم و البته این ضعف در مراکز فلسفی به مراتب بیشتر است لذا در ارائه و شناساندن دانش‌های خویش به سایر زبان‌ها با استفاده از فرصت‌های رسانه‌ای، تبلیغی و مجازی بسیار ضعیف عمل کرده‌ایم.

**حجت الاسلام فاضل:** در دنیای معاصر، هر دو بُعد قابل تأمل است.

**دکتر فتانی اشکوری:** هرچند ایران پیشناز و قلب فلسفی می‌رقیب در جهان اسلام است، اما فلسفه کنونی ما متناسب با نام ایران اسلامی و تاریخش نیست. ما هم در تولید نظریه و هم در عرضه و ارائه آن در سطحی که شایسته نام ایران اسلامی و انقلاب اسلامی باشد نیستیم. در اینجا ظرفیتی بس بیشتر و انتظاراتی بس فراتر از آنچه بالفعل هست وجود دارد. اما با این حال به نظر بنده مشکلات ما در عرضه بیش از مشکلات ما در تولید است. ما در عرضه اندیشه‌های موجودمان چندان موفق نبوده ایم. یکی از عوامل این عدم توفیق مسئله ناشناختن یا زبان‌های خارجی و ضعف در ارتباطات بین‌المللی ماست.

**استاد مهندس:** هر دو مطلب قابل توجه است. تولید علم و اندیشه جد و مرزی ندارد. لذا اگر گفته بشود کمبود نداریم به معنای

خواهران، ایرانی و غیرایرانی استفاده بهینه و سرمایه‌گذاری درست انجام نمی‌گیرد. البته اندیشمندان قدری وجود دارد که متکفل این مهم بوده و هستند.

**دکتر فنائی اشکوری:** نظام آموزشی سنتی ما در فلسفه مزایای قابل توجهی دارد که با توجه به آن، هدف یاد شده دور از دسترس نیست. مهمترین ویژگی این نظام توجه به عمق داشتن فلسفه است. در این نظام معلم و متعلم فلسفه را ساده و آسان تلقی نمی‌کنند، بلکه اثر رشته ای می‌دانند که نیازمند مطالعه و تفکر عمیق است. به عنوان مثال، آموزش کلمه به کلمه و خدا به خدا متون سنتی نزد استاد متبحر در آن رشته و متن نشانگر جدی گرفتن فلسفه است. علاوه بر این، معمولاً در کنار متون اسیرل درسی شرح‌ها و حاشیه‌های متعددی وجود دارد که محتوای متن را تأیید یا نقد می‌کند یا مضامین آن را حل می‌کند. این امر ضمن اینکه توجه به جدی بودن متن مورد نظر دارد به متعلم در فهم زوایای مختلف متن مورد نظر و مسائل مطرح شده در آن کمک می‌کند.

اما فلسفه آموز امروزی باید در کنار این امر از روش‌های دیگر نیز استفاده کند و از تجربیات جدید هم بهره‌گیری. نخست اینکه نباید خود را به چند متن محدود نمود بلکه لازم است به مطالعات فلسفی علاوه بر عمیق، گستره کافی داد. دوم اینکه مطالعه تاریخی فلسفه و توجه به تاریخ فلسفه باید در متن آموزش فلسفی ما اهمیت پیدا کند. سوم اینکه آشنائی با دیگر نظام‌های فلسفی اعم از شرقی و غربی باید در برنامه آموزشی و پژوهشی مدنظر باشد. چهارم اینکه مطالعات موضوعی در کنار متن آموزشی باید به برنامه‌ها افزوده شود. در این مطالعه موضوع واحد متلا بحث علیت از دیدگاه افراد و مکتب‌های مختلف مورد بحث واقع می‌شود. پنجم اینکه لازم است مطالعات تطبیقی و مقایسه‌ای گسترش یابد. ششم اینکه جرأت نقد و نوآوری باید تقویت شود و زمینه‌های فرهنگی آن مساعد شود. مراد ما از نقد، بررسی عالمانه آراء است با در نظر گرفتن همه جوانب و ابعاد یک مسئله، نه رد عجولانه و بی‌مهلبای باورها و نادیده گرفتن حدود و هنجارها.

نوآوری و نقد فقط در فضای آزاد میسر است. اگر کسی جرأت بیان و ارائه نقد و نظر خود را نداشته باشد قطعاً بدنیال نوآوری نمی‌رود. برخورد تنگ نظرانه سرچشمه خلاقیت را می‌خشکاند. اگر نقد عالمانه نظریات حاکم یا آراء بزرگان ذی نفوذ نوعی تحراف، بی‌ادبی و گستاخی تلقی شود و شخص ناقد بجای تقدیر و تشویق با طرد و ملامت مواجه شود، طبیعتاً راه بر نوآوری بسته می‌شود. پرسش و نوآوری بدون نقد نیست. کسی که مطالب نوآوری است باید آماده نقد باشد. آوردن سخن نو معمولاً بدون در افتادن با رأی رایج و دارج نیست. فرد یا جامعه‌ای که تحمل نقد عالمانه را ندارد

نمی‌تواند انتظار نوآوری داشته باشد. انتظار نوآوری و پرسشگری بدون آمادگی لازم برای نقدپذیری ظاهراً قابل جمع نیست. البته تفکر فلسفی در جامعه ما زنده است و نقد فلسفی در بین بسیاری از اهل فلسفه ما از جایگاه مناسب برخوردار است بطوری که انتظار می‌رود این جریان تدریجاً بر موانع یادشده غلبه کند، اما همچنان هستند کسانی که نقد نظریات خود را بر نمی‌تابند و از دیگران فقط انتظار تحسین و تجلیل دارند.

**استاد مهندس:** نظام آموزشی، بسیار قوی و غنی است اما اشکال عمده در ساماندهی و اجرایی کردن بهینه این نظام است. ایجاد فضای امن، نگاه ارزشی، باز یافتن جایگاه و درک واقعیت، دور کردن و زدودن نگاه بسته و مطرحی در بهینه‌سازی نظام آموزشی و امثال آن، نقش بسیار موثری در سامانه آموزشی داشته و از طرفی گسترش امکانات پژوهشی و تعامل با خارج از حوزه داخلی از جمله اقداماتی است که می‌تواند نظام آموزشی را کارآمدتر سازد.

### به نظر شما چه اقداماتی می‌بایست برای

معرفی فیلسوفان اسلامی و آرای فلاسفه

اسلامی ایرانی انجام گیرد؟

**دکتر رضا نیا:** در کنار نشست‌های علمی و کنفرانس‌های معارفی در ایران اسلامی یا دیگر کشورها برای معرفی هر چه بیشتر فرهنگ فلسفی اسلامی می‌بایست به نحو شایسته و فاخر متون فلسفی اسلامی برای دیگران ترجمه گردد. آن هم به سبک و سیاقی که قابل فهم باشد. (در اینجا نکته‌ای را باید مطرح نمود که اصولاً شاگله فکری اندیشمندان اسلامی ایران شاگله‌ای انتزاعی و عقلی است. در حالیکه شاگله فکری اندیشمندان غربی خصوصاً در دوران اخیر رویکردی تجربی و ناظر به زندگی دنیائی دارد در قالب یک مثال می‌توان گفت اندیشمندان اسلامی ایرانی در آسمان به جستجوی حقیقت می‌گردند و فلاسفه غربی بر روی زمین و هماهنگی میان آن اوج این حقیقت‌گرایی ساده‌ای نیست. البته با تمهیدات لازم این کار شدنی است.)

**آقای علی پور:** احیاء آثار اسلامی و ترجمه آنها به زبان‌های خارجی، همان کاری که امثال کربن بجای ما شروع کردند و کمی هم پیش بردند ولی با فوت آنها متوقف شد، نهضت ترجمه و عرضه آثار اسلامی به شکل مدرن باید شکل گیرد، بایستی آثار متن را انتخاب و ترجمه کنیم. با تأسیس رشته‌های فلسفه اسلامی، اعزام اساتید علوم اسلامی به دانشگاه‌های خارجی، امضاء توافق و تفاهم نامه‌های علمی برای تشکیل کرسی‌های علمی در حوزه‌های علوم عقلی اسلامی در دانشگاه‌های بین‌المللی و خارجی اقدام نماییم. برای این امر طرح‌های زیادی می‌شود ارائه کرد که نیاز به فرصت بیشتری برای ارائه می‌باشد.

۱. اصلاح ساختار مدیریت آموزش و پرورش جهت زمینه‌سازی مناسب برای ترویج فلسفه، گسترش و نهادینه‌سازی خودرزی و عقلانیت در جامعه با استفاده از امکانات موجود، اصلاح زیرساخت‌ها و خصوصاً اصلاح نگاه در سطح فرهنگستان علوم و شورای عالی انقلاب فرهنگی. آنچه این روزها مقام معلم رهبری خصوصاً در سفر مکرر بر توسعه و توجه به فلسفه عنایت فرمودند.

۲. توجه بیشتر به فلسفه در دوران تحصیلی قبل از دانشگاه حتی دوران کودکی و تعمیق آموزش فلسفه در دوران کارشناسی تا دکتری.

۳. ایجاد انگیزه در دانش‌پژوهان علوم انسانی علی‌الخصوص فلسفه و اصلاح وضعیت تصدای و معیشتی آنان.

۴. اصلاح نظام آموزش در جهت فعالیت‌های پژوهشی (آموزش پژوهش محور)

۵. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان در امر پژوهش و اولویت‌بندی موضوعات پژوهشی.

۶. اصلاح نظام آموزش در جهت فعالیت‌های پژوهشی (آموزش پژوهش محور)

۷. توجه به مسأله جذب و متلا به و عرصه آن به فلسفه اسلامی. احیاء آثار فلاسفه متکلمان و عرفای اسلامی و تحلیل و ترجمه آن در قالب کتب در سطوح مختلف برای مخاطبان سطوح مختلف داخلی و خارجی.

۸. گسترش قلمرو فلسفه اسلامی از نظر به عمل و توجه متعاضف به تأسیس رشته‌های جدید و توسعه فلسفه‌های متعاضف.

۹. ترویج سیاست‌های پژوهشی در راستای ترویج و ترغیب و نوآوری و تشویق پژوهشگران و نوآوران در این حوزه.

۱۰. اصلاح دیدگاه مسئولان امر به ویژه مدیران مربوطه نسبت به اهمیت پژوهش‌های فلسفی و نقش آن در تمدن‌سازی.

۱۱. تخصیص فرصت‌های مطالعاتی و برگزاری همایش‌های علمی و بین‌المللی برای پژوهشگران این حوزه.

**حجت الاسلام فاضل:** ما باید برای توسعه و ترویج فلسفه اسلامی چه در داخل و چه در خارج از کشور برنامه‌ریزی داشته باشیم. از حوزه آموزش و پرورش در سطوح نباید غفلت ورزید.

کلمه‌اتناس علی قدر عقولهم برای سنین مختلف و ... باید فلسفه اسلامی به زبان آنان نوشته شود. در یک کلام عزم و جدیت راسخی را می‌طلبد که فرابندی از آموزش فلسفه اسلامی در داخل و خارج از کشور آن هم با مشاوره اهل فن و به زبان آموزشی همراه با بهره‌مندی از تکنیک‌های خاستی محقق گردد.

**حجت الاسلام فاضل:** به نظر می‌رسد در یک مقال کوتاه، از فرصت‌ها استفاده نمودن، خصوصاً حضور در مجامع و عرصه بین‌المللی که فضا معذب و آماده بهره‌برداری است را نباید غفلت کرد. مطالب خارجی که در ایران تحصیل می‌نمایند چون با ادبیات ملت و قوم خود آشنا هستند، گنجینه‌دین دروس منظم و نظام‌مند فلسفه، کلام و ... می‌تواند در توسعه و ترویج فلسفه اسلامی مؤثر باشد.

**دکتر فتانی اشکوری:** ترجمه آثار حکما، تألیف آثاری در معرفی، تحلیل و نقد آراء هم به صورت کتاب و هم بصورت مقالات در نشریات فلسفی معتبر بین‌المللی و ارائه مقاله و بحث در همایش‌های بین‌المللی، پذیرش دانشجویان و محققان خارجی برای تحصیل و تحقیق در مراکز علمی ایران برخی از کارهای قابل اجرا در این زمینه هستند که می‌توانند در معرفی فلسفه و فیلسوفان اسلامی مؤثر واقع شوند.

**استاد مهندسی:** برای معرفی فیلسوفان اسلامی و ارائه آراء آنان، اولاً فضای داخلی را باید ساماندهی کرد و ثانیاً برنامه‌ریزی جهت سازوکار ارتباط با محافل فلسفی جهان، رفت و آمدها و تعاملات علمی، همانگونه که در گذشته علیرغم وجود مشکلات عذبه در سفرها، بزرگان فلسفه و علم به مراکز مختلف حتی المقدور سفر داشتند.

## راهکارهای ترویج و توسعه فلسفه اسلامی را

### تبیین فرمایید.

**دکتر رضا نیا:** تدوین کتاب‌ها و مقالات فلسفی اسلامی برای قشرهای مختلف و در عرصه‌های گوناگون، ترفیق مطالب سنگین و استدلالی با بیانی روان و روشن، معرفی بزرگان عرصه فلسفه اسلامی در قالب داستان و نمایشنامه و فیلم برای کلیت جامعه و خصوصاً قشرهای علمی، نگاه توجه خوب و شایسته این آثار برای دیگران.

**آقای علی پور:** دفتر جنبش نرم‌افزاری وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی با همکاری پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی با تشکیل جلسات کارگروه علمی ظرفیت‌شناسی و توسعه فلسفه اسلامی سند توسعه فلسفه را با پیشنهادات متعدد و متنوعی نوشته است که حقیر به عنوان عضو و دبیر آن جلسات می‌توانم - تقویت و اصلاح حوزه آموزش و پژوهش، رفع موانع و چالش‌ها را از اهم آن پیشنهادات ذکر نمایم.

پیشنهادات اینجانب به طور خلاصه عبارتند از:

# اخبار علمی - فرهنگی

## مجمع حکمت شرعی

### جلسات هیئت مدیره

هیئت مدیره مجمع عالی حکمت اسلامی مهر و آبان ۱۳۸۹، ۶ جلسه برگزار نمود که اهم موارد ذیل مورد بررسی قرار گرفت:

بررسی وضعیت مجمع عالی جهت شرکت در نمایشگاه مشکاه.  
تسویب برگزاری همایش دین و فلسفه؛  
برنامه‌ریزی جهت برگزاری نشست‌های تخصصی همایش دین و فلسفه؛  
برنامه‌ریزی جهت شرکت مجمع عالی در نمایشگاه روز جهانی فلسفه؛  
پیگیری موضوعات آموزشی؛  
بررسی و تعیین موضوعات پژوهشی؛  
بررسی و تعیین نشست‌های علمی سال ۱۳۸۹؛  
بررسی وضعیت مراکز و افراد جهت شرکت در کنگره روز جهانی فلسفه؛  
تعیین مراکز فلسفی شرکت کننده در نمایشگاه روز جهانی فلسفه؛  
بررسی موضوعات آموزشی کوتاه مدت؛  
بررسی تهیه بروشور معرفی مجمع عالی و کتاب معرفی فلاسفه اسلامی معاصر (حوزوی).

### جلسات گروه‌های علمی

#### گروه علمی فلسفه

گروه علمی فلسفه در مهر و آبان ماه ۱۳۸۹، ۵ جلسه برگزار نمود که در آن موضوعات ذیل مورد بررسی قرار گرفت:

- «سلسله تفکرات فلسفه‌های رایج» توسط حجت الاسلام والمسلمین آقای عشاقی (۳ جلسه)  
- «معنی الموت و المعاد» توسط حجت الاسلام والمسلمین زمانی قمشه ای (۲ جلسه)

#### گروه علمی کلام

گروه علمی کلام در مهر و آبان ۸۹، چهار نشست برگزار کردند که ضمن تعیین و اولویت بندی موضوعات و برنامه‌های سال جدید تحصیلی، تعیین اولویت‌های پژوهشی کلان سال ۹۰-۸۹ و پیشنهاد اساتید برای نشست مهدویت، به بررسی موضوعات ذیل پرداختند:

- «تقد زرتشت با محوریت اوستا» توسط حجت الاسلام والمسلمین آقای امامی  
- «شاخصه‌های عرفان اسلامی» توسط حجت الاسلام والمسلمین زمانی قمشهای

#### گروه علمی فلسفه‌های مضاف

گروه علمی فلسفه‌های مضاف در مهر و آبان ۱۳۸۹ در جلسهای توسط اعضای گروه به تعیین اولویت‌های کاری سال ۸۹-۹۰ پرداختند.

#### گروه علمی عرفان

گروه علمی عرفان نیز در مهر و آبان ۱۳۸۹ دو جلسه برگزار و موضوعات ذیل مورد بررسی قرار گرفت:

- «تفاوت‌های عرفان عملی با اخلاق» توسط حجت الاسلام والمسلمین آقای امینی‌نژاد؛  
- «خلود در چشم و عذاب، در عین رهائی از آن دو» توسط حجت الاسلام والمسلمین عشاقی.

## گروه علمی معرفت‌شناسی

- گروه علمی معرفت‌شناسی در مهر و آبان ماه ۱۳۸۹، ۴ جلسه برگزار نمود که در آن موضوعات ذیل مورد بررسی قرار گرفت:
- «زمان و مکان استنتاج استدلالتی و علیت» توسط حجت الاسلام والمسلمین دکتر بخشایش (۲ جلسه)؛
  - «علیت، تمثیل دوم کتاب کائنات» توسط حجت الاسلام والمسلمین دکتر بخشایش؛
  - «تقد و بررسی کتاب بن لایه های شناخت، نوشته دکتر احمدی» توسط حجت الاسلام والمسلمین معلمی.

## دیدار اعضای هیئت مدیره با ناظران معظّم عالی



در آستانه برگزاری کنگره روز جهانی فلسفه و همایش دین و فلسفه، جمعی از اعضای هیئت مدیره مجمع عالی حکمت اسلامی با ناظران معظّم عالی حضرات آیات عظام جوادی آملی، سبحانی و مصباح یزدی «دست برکتاب» دیدار نمودند. در این دیدارها ضمن ارائه گزارش از اقدامات صورت گرفته و بهره‌مندی از نقطه نظرات ناظران محترم، از اساتید معظّم جهت سخنرانی در همایش دین و فلسفه دعوت به عمل آمد.

## جلسات کمیته علمی بخش فلسفه اسلامی

کمیته علمی بخش فلسفه اسلامی نیز در طی مهر و آبان ۱۳۸۹، ۵ جلسه برگزار نمود. در این جلسات ضمن بررسی آخرین وضعیت مقالات ارسالی، ارزیابی‌های صورت گرفته، مقالات پذیرفته شده، مقالات ارسالی به ستاد مرکزی کنگره و ... در خصوص شرکت مراکز در نمایشگاه روز جهانی فلسفه و تعیین سهمیه مراکز نسبت به اجلاس اصلی کنگره مباحث و موضوعات مهمی مورد بررسی قرار گرفت.

## همایش «دین و فلسفه» برگزار شد

در آستانه برگزاری کنگره روز جهانی فلسفه، همایش «دین و فلسفه» از سوی مجمع عالی حکمت اسلامی و با همکاری مراکز فلسفی قم ۱۵ و ۱۴ مهر ۸۹ برگزار گردید. چهارشنبه ۱۳ مهر ۱۳۸۹ از ساعت ۱۶ الی ۲۰ نشست‌های تخصصی ذیل برگزار گردید:

- فلسفه و اخلاق یا مدیریت حجت الاسلام والمسلمین معلمی با ۷ مقاله
- انسان‌شناسی در فلسفه اسلامی با مدیریت حضرت آیت الله سید محمدغروی با ۷ مقاله
- رابطه دین و فلسفه با مدیریت حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی مصباح با ۵ مقاله
- فلسفه و معانی زندگی با مدیریت حجت الاسلام والمسلمین دکتر آذربایجانی با ۶ مقاله
- فلسفه و معانی زندگی با مدیریت حجت الاسلام والمسلمین پارسائیا با ۸ مقاله

پنج شنبه ۱۵/۷/۸۹ از ساعت ۸:۳۰ الی ۱۲ همایش اصلی «دین و فلسفه» در سالن همایش‌های مدرسه عالی دارالشفاء برگزار گردید. در ابتدا آقای دکتر غلامرضا اعوانی، معاون علمی کنگره روز جهانی فلسفه به تشریح برنامه‌ها و اهداف برگزاری کنگره روز جهانی فلسفه در جمهوری اسلامی پرداخت. سپس استاد فرزانه حضرت آیت الله مصباح یزدی «دست برکتاب» به تشریح فلسفه و دین و ارتباط آنها پرداخت.

در ادامه استاد معظّم حضرت آیت الله جوادی آملی «دست برکتاب» در خصوص جایگاه فلسفه و نقش آن در اسلامی‌سازی علوم مطالب مبسوطی ارائه نمودند. حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسی که دبیر علمی همایش را بر عهده داشتند به تشریح برنامه‌ها و نشست‌های تخصصی که روز چهارشنبه برگزار گردید، پرداخت. گزارش تفصیلی همایش دین و فلسفه در همین شماره خواهد آمد.

### شرکت مجمع عالی در نمایشگاه مشگاه

همزمان با سفر رهبر معظم انقلاب اسلامی به قم، نمایشگاه مشگاه در خصوص دستاوردهای پژوهشی حوزه علمیه قم برگزار گردید. مجمع عالی حکمت اسلامی ضمن حضور در نمایشگاه مشگاه، مجموعهای از برنامه‌های پژوهشی، آموزشی و تولیدات خود را عرضه نمود.

نمایشگاه مشگاه شنبه اول آبان ۱۳۸۹، مورد بازدید مقام معظم رهبری «مدظله العالی» قرار گرفت.



### آماده‌سازی بانک پایان‌نامه‌های حوزوی علوم عقلی

در راستای اطلاع رسانی از فعالیت‌ها و برنامه‌های طلاب و فضایی حوزه علمیه قم در زمینه‌ی علوم عقلی، بانک پایان‌نامه‌های حوزوی مرتبط با علوم عقلی از سوی مجمع عالی حکمت اسلامی راه‌اندازی گردید. در این بانک اطلاعات پایان‌نامه‌های طلاب و فضایی حوزه علمیه که بعد از انقلاب در یکی از موضوعات علوم عقلی مشغول به تحصیل بوده‌اند از مراکز مختلف همچون معاونت آموزش حوزه علمیه قم، تربیت مدرس دانشگاه قم، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره) «وابسته به جامعه‌المصطفی العالمیه»، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دانشگاه مفید، جامعه‌الزهراء (س) و... جمع‌آوری گردیده است. این بانک اطلاعات همزمان با برگزاری کنفرانس «روز جهانی فلسفه» مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت.

#### تسلیم

با نهایت تألیف و دگر در گذشت جناب حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمدی طهرانی قزوینی (ره) از اعضای مجمع عالی حکمت اسلامی راه بیت معظم ایشان به ویژه واد بزرگوارشان حضرت آیت الله طهرانی قزوینی (ره) و برادر ارجمندش جناب آقای دکتر سید علی طهرانی قزوینی تسلیم تشریف عرض می‌نمایم.

محمدتقی حکمت اسلامی



بسمه تعالی

با عنایت خداوند متعال و توجّهات حضرت ولی عصر (عج)

## مجمع عالی حکمت اسلامی

در راستای بهرمندی طلاب و فضایی محترم از اساتید مجرب علوم عقلی اسلامی دروس ذیل را در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ ارائه می نماید

ردیف	موضوع	استاد حضرات آقایان	زمان برگزاری		مکان
			روز	زمان	
۱	اسفار ج ۱	فیاضی	شنبه تا سه شنبه	۹ - ۱۰	موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
۲	اسفار ج ۲	مهندسی	هر روز	یک ساعت به ظهر	مدرسه فیضیه مدرس ۹
۳	اسفار ج ۳ (بحث حرکت)	ممدوحی	هر روز	۱۰ - ۱۱	مدرسه حضرت آیت الله العظمی بروجردی (خان)
۴	اسفار ج ۳ (بحث زمان)	پارسانیا	هر روز	۷ - ۸	مدرسه فیضیه حجره امام (ره)
۵	اسفار ج ۶	مرتضی جوادی	هر روز	۹ - ۱۰	مدرسه فیضیه مدرس معصومیه
۶	اسفار ج ۶ (بحث صفت و قدرت)	اسحاق نیا	هر روز	دو ساعت به غروب	مدرسه فیضیه مدرس امام (ره)
۷	اسفار ج ۸ (ویژه خواهران)	معلمی	پنج شنبه ها	۸ - ۱۰	مجمع عالی حکمت اسلامی
۸	شوارق الالهام ج ۲	حشمت پور	هر روز	۷ - ۸	مدرسه حضرت آیت الله العظمی بروجردی (خان)
۹	اشارات ج ۳	حشمت پور	هر روز	۸ - ۹	مدرسه حضرت آیت الله العظمی بروجردی (خان)
۱۰	کلام جدید (بحث عقل و دین)	ریائی گلپایگانی	هر روز	۱۰ - ۱۱	مدرسه فیضیه مدرس امام (ره)
۱۱	اسفار جلد ۸ (بحث نفس)	گر جیان	هر روز	۷ - ۸	مدرسه فیضیه حجره ۱۴
۱۲	تمجید القواعد	رمضانی	دوشنبه، سه شنبه، چهارشنبه	یک ساعت به غروب	مجمع عالی حکمت اسلامی
۱۳	حکمت متعالیه	یزدان پناه	سه شنبه و چهارشنبه	۱۱ - ۱۲	مدرسه حضرت ولی عصر (عج)
۱۴	شرح چهل حدیث حضرت امام خمینی <sup>(ره)</sup>	تحریری	سه شنبه ها	یک ساعت به غروب	مجمع عالی حکمت اسلامی
۱۵	منطق صدرایی	سلیمانی امیری	چهارشنبه ها	یک و نیم ساعت به غروب	مجمع عالی حکمت اسلامی
۱۶	تمجید القواعد	معلمی	پنج شنبه ها	۱۰ - ۱۲	مجمع عالی حکمت اسلامی
۱۷	آشنایی با مبانی حکمت متعالیه	عبودیت	سه شنبه ها	بعد از نماز مغرب و عشاء	مجمع عالی حکمت اسلامی
۱۸	عقاید - پایه ۷	رضانژاد	شنبه تا دوشنبه	یک ساعت به ظهر	زیرزمین مدرسه فیضیه
۱۹	عقاید - پایه ۸	رضانژاد	سه شنبه و چهارشنبه	یک ساعت به ظهر	مدرسه فیضیه مدرس امام (ره)
۲۰	نهایه الحکمه	شیروانی	هر روز	۷ - ۸	مسجد حضرت آیت الله جوادی
۲۱	اسفار ج ۱	نائیجی	هر روز	۸ - ۹	مسجد امام حسین (ع) - چهار مردان

علاقتمندان جهت کسب اطلاعات بیشتر می توانند با تلفن ۱۱-۷۷۵۷۶۱۰ تماس و یا به پایگاه اطلاع رسانی مجمع عالی با آدرس [www.HekmateIslami.com](http://www.HekmateIslami.com) مراجعه نمایند.

پرچم فلسفه‌ی اسلامی دست حوزه‌های علمیه بوده است و باید باشد و بماند. اگر شما این پرچم را زمین بگذارید، دیگرانی که احياناً صلاحیت لازم را ندارند، این پرچم را برمی‌دارند؛ تدریس فلسفه و دانش فلسفه می‌افتد دست کسانی که شاید صلاحیت‌های لازم را برایش نداشته باشند. امروز اگر نظام و جامعه‌ی ما از فلسفه محروم بماند، در مقابل این شبهات گوناگون، این فلسفه‌های وارداتی مختلف، لخت و بی‌دفاع خواهد ماند. آن چیزی که میتواند جواب شماها را بدهد، علوم عقلی است؛ فلسفه و کلام. اینها لازم است. در حوزه، اینها رشته‌های مهمی است.



از بیانات نظام معلم رهبری «مدتله العالی» در دیدار با اساتید، طلاب و فضلاى حوزه علمیه قم - ۱۳۸۹ / ۷ / ۲۹

